

اقتراح

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی

در گفت‌وگو با

آیت الله، قربانعلی محقق کابلی و حجج اسلام؛ آقایان: سید میرهادی سجادی

حمیدرضا سلکی، عبدالمجید ناصری و محمدحسین فصیحی

کلیدواژه‌ها: تبلیغ، سیاست، فرهنگ، عالمان، تقریب.

اشاره

افغانستان، کشور ستمدیده‌ای است که در طول تاریخ، به ویژه، در دوران اخیر، در معرض ظلم و تعدی اجانب، گماشتگان و دشمنانی بوده است که پیوسته، در پی منافع خویش، استعدادهای جغرافیایی و منابع انسانی درخشان این مرز و بوم را به مخاطره افکنده‌اند؛ در این میان، نقش و زحمات بی‌دریغ برخی عالمان، که دلسوزانه، در اقصی نقاط این کشور محروم، (در داخل و خارج) به فکر تعالی و رشد آگاهی‌های دینی، فرهنگی و سیاسی مردم سخت-کوش و مستعد خود، تلاش نموده‌اند، غیر قابل چشم‌پوشی است.

این مهم، فصلنامه تخصصی «پیام مبلغ» را بر آن داشته است که در جهت واکاوی برخی مسائل دینی، فرهنگی و سیاسی این کشور گام بردارد و نقش پررنگ این عالمان را بر اساس ضرورت‌ها و سنجه‌های گوناگون بررسی نماید؛ از این‌رو، اقتراح علمی این شماره را به موضوع «نقش عالمان افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی» اختصاص داده است. با هم آن را مرور می‌کنیم.

۲۸.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

پیام مبلّغ: ضمن معرفی خود، اندکی از فعالیت‌های علمی، تبلیغی و فرهنگی خود را برای مخاطبان نشریه بیان فرمایید.



آیت الله محقق کابلی: این‌جانب، در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی، در ولایت پروان (شمال غرب کابل) در قریه ترکمن، متولد شدم؛ تا سطوح عالیّه، در نزد روحانیان محل و کابل تلمذ نمودم. برای ادامه تحصیل، در سال ۱۳۳۲ به نجف اشرف مشرف شدم.

سطوح عالیّه را در نزد استادان بزرگوار: سید عبدالاعلی سبزواری، شیخ کاظم تبریزی، سید عبدالحسین رشتی، شیخ محمدتقی آل رازی، شیخ صدرا بادکوبه‌ای و شیخ مجتبی لنگرانی (قدس سرهم) به پایان رساندم. در سال ۱۳۳۶، در درس خارج فقه و اصول آیات عظام: حکیم، خوئی، امام خمینی، شیخ محمدباقر زنجانی و شیخ حسین حلّی (قدس الله نفسهم الذکیه) شرکت نمودم و بعد از نوزده سال تحصیل و تدریس، تألیف و تحقیق، در سال ۱۳۵۱، به افغانستان (کابل) برگشتم و مشغول تدریس، تبلیغ و تأسیس مساجد (از جمله مسجد امام خمینی، در غرب کابل) و حوزه علمیه «جامعه الاسلام» شدم. در دوران جهاد، کنار سایر مجاهدان، در داخل و خارج کشور، سعی و تلاش نمودیم و بعد از آزادی افغانستان و پیروزی مجاهدان و یک سال اقامت در کابل، در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و از آن زمان تا حالا، مشغول تدریس دروس خارج و حل و فصل مسائل شرعی و دینی مؤمنین، در ایران و افغانستان هستم.

حجت الاسلام سجادی: بنده، سید میرهادی سجادی، در سال ۱۳۳۴ هـ.ش، در قریه قورق،



از توابع شهر مزارشریف، نزدیک شهر تاریخی بلخ که زمانی، مهد تمدن و فرهنگ اسلامی بود، در یک خانواده روحانی، دیده به جهان گشودم. در نوجوانی، برای فراگیری دروس ابتدایی، به مکتب‌خانه رفتم. در سن ۱۷ سالگی، وارد حوزه علمیه

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۲۹

مزارشریف شده، در نزد شیخ قاسم زعیم، به تحصیل مقدمات علوم اسلامی پرداختم. در سال ۱۳۴۹ هـ.ش، برای تحصیل علوم و معارف اسلامی، وارد شهر مقدس نجف اشرف شده و از محضر استادان و آیاتی چون؛ مرحوم مدرس افغانی، شیخ عباس قوچانی، مرتضوی شاهرودی، آیت الله جوهری؛ منطق، معانی و بیان، فلسفه، فقه و اصول را استفاده نمودم. در سال ۱۳۵۴ هـ.ش، وارد شهر مقدس قم گردیده، از آن زمان تاکنون، از محضر آیات عظام: شهید مطهری، محمدی گیلانی، جوادی آملی، حسن‌زاده آملی، مرحوم فاضل لنکرانی و وحید خراسانی، در موضوعاتی چون: فلسفه، عرفان نظری، فقه و اصول بهره بردم؛ حاصل آن، تدوین چند دوره تقریرات مباحث این بزرگواران است.

پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، سفرهای تبلیغی داشتم؛ پس از پیروزی انقلاب، علاوه بر درس و بحث، بیش تر، به تدریس در دانشگاه تهران و تربیت مربی مشغول بودم؛ همچنین، مسؤولیت مؤسسه فرهنگی خدماتی ثقلین را به عهده دارم؛ این مؤسسه، از بدو تأسیس تاکنون، خدمات قابل توجهی را در بعد فرهنگی انجام داده است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) تشکیل کانون‌های قرآنی و آموزش‌های کوتاه مدت اعتقادی احکام و اخلاق، با کادر مجرب، در شهر کابل، پلخمر، مزارشریف، بغلان.

ب) انتشار مجله «شفاء» با رویکرد علمی- فرهنگی و نقد آموزه‌های مسیحیت، با تیراژ وسیع که تاکنون، پنج شماره از آن، منتشر گردیده است و بازخورد آن، کاملاً رضایت‌بخش بوده است؛ به ویژه، از سوی دانشگاهیان و طلاب، در کانون توجه و استقبال قرار گرفته است.

ج) تأسیس حوزه علمیه ثقلین، در شهر مزارشریف، با بیش از صد طلبه؛ تأسیس حوزه علمیه، در شهر بغلان.

حجت الاسلام سلکی: بنده، حدود شش سال، مسؤولیت کمیسیون افغانستان را در مرکز جهانی علوم اسلامی سابق و جامعه المصطفی ۹ بر دوش داشته‌ام؛ بیش از پانزده سال است که با جریان‌های سیاسی و

۳۰.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

فرهنگی افغانستان، از نزدیک آشنایم و تاکنون، دو بار، به افغانستان سفر کرده و ولایت‌های مختلف آن را از نزدیک دیده‌ام.

حجت الاسلام ناصری: با تشکر از

حضرت‌عالی که نشریه وزین و تخصصی «پیام مبلّغ» را، منتشر می‌نمایید و این فرصت را در اختیارم قرار دادید؛ در سال ۱۳۴۳ ش. در یکی از مناطق غزنین که ولسوالی جاغوری خوانده می‌شود، در یک خانواده

مذهبی و روحانی، چشم به جهان گشودم. پس از آغاز انقلاب اسلامی و جهاد دینی مردم مسلمان کشورم، بر ضد دولت مارکسیستی کابل، در سال ۱۳۵۸ ش. که با تعطیلی مکاتب دولتی (مدارس) همراه بود، به حوزه علمیه رو آوردم. تحصیلات علمی خود را در جاغوری، اصفهان و سرانجام حوزه علمیه قم، به پایان بردم؛ همزمان با آن، به تحصیل علوم جدید پرداخته، در سال ۱۳۶۸ ش. کارشناسی ارشد معارف اسلامی را در «مؤسسه در راه حق» به پایان بردم و بعد از آن، وارد رشته تاریخ شدم و اکنون، در آستانه دفاع رساله دکتری‌ام قرار دارم.

پژوهش‌های متعددی را از آغاز دهه ۱۳۷۰ ش. تاکنون انجام داده‌ام که همه، در راستای پر نمودن خلأهای پژوهشی و نیازهای جامعه صورت گرفته‌اند و برخی از آن‌ها، به چاپ رسیده‌اند:

۱. تشیع، در خراسان عهد تیموریان؛ ۲. زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان؛ ۳. مشاهیر تشیع در افغانستان؛ ۴. انقلاب کربلا، از دیدگاه اهل سنت؛ ۵. تاریخ تشیع، در افغانستان؛ ۶. شهدای روحانیت جاغوری و ...

حجت الاسلام فصیحی: بنده، دانش -

آموخته کارشناسی ارشد، از مؤسسه مذاهب اسلامی و سطح چهار (دکتر) از مؤسسه تخصصی کلام اسلامی، زیر نظر آیت الله سبحانی هستم. سابقه ۸ - ۹ سال حضور در درس خارج فقه و اصول دارم.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۳۱

از استادان ثابت (همکار) جامعه المصطفی، با ۶ سال سابقه و عضو گروه فلسفه و کلام مجتمع آموزش عالی فقه، رییس انجمن علمی - پژوهشی کلام مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، از نویسندگان دانشنامه کلام اسلامی، زیر نظر آیت الله سبحانی و دارای مقالات چاپ شده، در مجلات تخصصی، راهنمایی و مشاور چندین پایان نامه کارشناسی ارشد و دارای چندین سال سابقه تبلیغی هستیم.

پیام مبلغ: حوزه‌های علمیه افغانستان، به ویژه، حوزه‌های علمیه کابل، در شرایط فعلی، تا چه اندازه، به مشکلات فرهنگی و مسائل فکری و دینی مردم، به ویژه، طبقه جوان پاسخگو است؟

آیت الله محقق کابلی: چند سال است که حوزه علمیه کابل فعال شده است و تا حدودی، پاسخگوی نیازهای نسل جوان و سایر اقشار مردم است؛ نیازهای فراوانی دارد که باید، به مرور زمان حل شوند و حوزه علمیه قم، در این جهت، همکاری لازم و همه‌جانبه را داشته باشد.

حجت الاسلام سجادی: با توجه به مشکلات فراوان و نابسامانی‌های به جا مانده از سه دهه جنگ و فضای باز سیاسی - فرهنگی و ظهور رسانه‌های صوتی و تصویری، چون اینترنت و ماهواره که هر کدام، با حجم‌های نابرابر، فضای فرهنگی کشور را تیره و تار نموده است و با توجه به ظرفیت حوزه‌های علمیه این مناطق، باید، کارکردشان را ارزیابی نمود.

بنابراین، حوزه‌های علمیه، به ویژه، حوزه علمیه کابل، نسبت به امکاناتی که در اختیار دارند، سعی‌شان مشکور، ولی، کافی نیست؛ باید، کمک شوند؛ نیاز بیش از حد است؛ مردم، به ویژه، جوانان، تشنه معارف الهی‌اند؛ استقبال مردم، در فراگیری آموزه‌های اسلامی، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌گردد؛ امروز، کانون‌های قرآنی، کلاس‌های عقاید، احکام و اخلاق، از هر زمان دیگر، در میان مردم جاذبه دارند. باید، به این رویکرد مردم جواب مثبت داد.

حجت الاسلام سلکی: به طور نسبی، می‌توان، موفقیت حوزه‌های علمیه افغانستان را در زمینه تبلیغ، در حد متوسط ارزیابی کرد؛ مسائل و چالش‌هایی که قشر جوان افغانستان، با آن‌ها روبه‌رویند؛ فراتر از توان موجود حوزه‌های علمیه شیعه است و حوزه‌ها، به بازنگری در ساختار، روش‌ها و متون آموزشی نیازمندند.

۳۲.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

حجت الاسلام ناصری: من معتقدم، به هیچ وجه پاسخگو نیست. حوزه‌های علمیه افغانستان، روزگار دشوار و پردردی را تجربه کرده است و چند سال است که مجدداً، از میان خون و خاکستر، ققنوس وار سر برآورده است و هنوز، در آغاز راه قرار دارد.

حجت الاسلام فصیحی: به نظر می‌رسد، آن گونه که شایسته است، پاسخگو نیست؛ زیرا، فضای باز فرهنگی که در افغانستان به وجود آمده است و شبکه‌های متعدد رادیویی، شبکه‌های خصوصی تلویزیونی، وجود شبکه‌های ماهواره‌ای، مجلات و روزنامه‌های مختلف که در کشور فعالیت می‌کنند، بعضاً، سؤالات و شبهاتی را نسبت به آموزه‌های دین و مکتب اسلام، در اذهان مردم متدین، به ویژه، جوانان ایجاد می‌نمایند.

از سوی دیگر، مبلغان مسیحی و وهابی، در قالب مؤسسات خیریه و کمک‌های بشردوستانه، به صورت مرموز و غیرمستقیم و بعضاً مستقیم، برخی از مقدسات، اصول، قوانین، هنجارهای اخلاقی و اسلامی را انکار می‌کنند؛ بنابراین، باید، در حوزه‌های دینی شهرهای بزرگ، به ویژه، حوزه‌های علمیه کابل، افراد، آگاه، تحصیل کرده و متخصص مسائل دینی و اسلامی باشند؛ تا اولاً، به تبیین درست معارف اسلامی بپردازند و ثانیاً، به شبهات، پاسخگو باشند؛ متأسفانه، در حوزه‌های علمیه افغانستان، چنین افرادی کم‌تر یافت می‌شوند.

پیشنهاد بنده این است که عالمان و متولیان مراکز فرهنگی - دینی و حوزه‌های علمیه، برای پر کردن این خلأ، چاره‌اندیشی نمایند و به جذب افراد فاضل و توانمند بپردازند تا نیازهای فرهنگی-فکری مردم، به ویژه، جوانان و دانشجویان را تأمین نمایند.

پیام مبلغ: جامعه المصطفی العالمیه، تا چه اندازه‌ای، در پرورش مبلغان جهانی

موفق بوده است؟

آیت الله محقق کابلی: تا حدودی موفق بوده و امیدوارم، بیش از پیش موفق باشند؛ زمینه رفت و آمد آن‌ها را فراهم کنند و تسهیلات بیش‌تری، در اختیار مبلغان قرار دهند که در این زمینه طلاب مشکلات زیادی دارند.

حجت الاسلام سجادی: بی‌شک، جامعه المصطفی ۹ ساکنان دار تبلیغ اسلام ناب، در جهان است. از آنجایی که در ممکنات، چیز مطلقى نداریم و انتظار ما باید، از یک ارگان به نسبت امکانات و شرایط و مشکلاتی که دارد، باشد، جامعه المصطفی ۹ در عین حال که نوپا است

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۳۳

و چند صباحی، از زمان تأسیس آن نمی‌گذرد، کارهای فوق‌العاده مهم و قابل توجهی را چه در بخش پرورش مبلغ و چه در بخش تربیت متخصص، در علوم مختلف اسلامی، به تشنگان معارف، عرضه نموده است. هم اکنون، مؤمنین، در اقصی نقاط عالم، از ثمرات این نهاد مقدس استفاده می‌کنند؛ البته، به وضع موجود، نباید، بسنده کرد؛ جامعه المصطفی، ریشه هزارساله دارد؛ بن‌مایه آن، حوزه‌های علمیه نجف، بغداد، حله، قم و ... است؛ باید، از تمام ظرفیت استفاده نمود.

حجت الاسلام سلکی: توفیق جامعه المصطفی ^۹ را نیز به طور نسبی می‌توان، در حد متوسط ارزیابی کرد.

حجت الاسلام ناصری: بنده، اطلاع ندارم که جامعه المصطفی ^۹ به طور ویژه، به پرورش مبلغان اقدام کرده باشد و در این باره، خروجی داشته است. اگر منظورتان، طلاب و فضلاء تحصیل کرده این مجموعه است که به تبلیغ نیز می‌پردازند، در این صورت، می‌توان گفت که توفیق تحسین‌برانگیزی داشته و در تاریخ حوزه‌های علمیه تشیع بی‌سابقه است؛ هرچند، سامان‌بخشی و هماهنگ‌سازی مبلغان، و استفاده بهینه از توان آنان، چیزی است که باید، در کانون توجه و اهتمام جدی قرار بگیرد و میان جامعه المصطفی و سایر دست‌اندرکاران اعزام، تعامل سازنده و روزافزون حاکم گردد که البته، جرقه‌های نخستین آن، الحمدلله مشاهده می‌شوند و اقدام مهم و ابتکار جامعه المصطفی، در آموزش کوتاه مدت و هماهنگ‌سازی مبلغان، بسیار ارزنده و امید زیادی را در میان مبلغان اسلامی، به وجود آورده است.

حجت الاسلام فصیحی: هر چند، جامعه المصطفی ^۹ در زمینه تبلیغ و تربیت مبلغ و اعزام آن‌ها، در کشورهای مختلف جهان، علیرغم برخی مشکلات و موانع، کارهای خوبی انجام داده و موفقیت‌هایی داشته است؛ ولی، یک کار جدی، به صورت تخصصی و برنامه‌ریزی شده، به منظور تربیت مبلغ جهانی و فرامنطقه‌ای، صورت نگرفته است.

با توجه به ضرورت این کار و فرصت و ظرفیت موجود در جامعه المصطفی ^۹ مناسب است، رشته تخصصی تبلیغ و ارتباطات تا مقطع دکترا، در این نهاد جهانی تأسیس شود و افراد نخبه و آشنا به زبان‌های مختلف پذیرفته شوند تا بعد از دانش‌آموختگی، بتوانند، پیام اسلام و اهل بیت را به گوش مردم جهان و مشتاقان فرهنگ اهل بیت برسانند.

پیام مبلّغ: نقش عالمان و طلاب افغانستان، در انتخاب رییس جمهور کارآمد و موفق که بتواند، خواسته‌های اقوام مختلف افغانستان را برآورده نماید و امنیت را در این کشور ایجاد نماید، چیست؟

آیت الله محقق کابلی: در مرحله اول، فرد کارآمد را شناسایی کنند و در مرحله دوم، او را برای مردم معرفی کنند و تعهد بگیرند که عدالت اجتماعی را در جامعه پیاده کند و حقوق اقلیت‌های جامعه را رعایت نماید؛ به ویژه، حقوق شیعیان را که یک چهارم و یا یک پنجم ملت افغانستان را تشکیل می‌دهند. حقوق آنان، در تمامی زمینه‌ها، ملاحظه شوند؛ چنانچه، در پیامی که در این باره، به ملت افغانستان، در آستانه انتخابات داده‌ام، تأکید زیادی شده است و این وظیفه عالمان و مبلّغان است که به گوش مسؤولان و مردم برسانند.

حجت الاسلام سلکی: عالمان و طلاب، فراخور حوزه تأثیر فردی خود و نیز، به نسبت تأثیر آرای جامعه شیعی، قدرت تأثیرگذاری، بر جریان انتخابات را خواهند داشت. حضور نامزدهای انتخاباتی متعدد، از بین شیعیان و اتخاذ مواضع پراکنده، از سوی رهبران سیاسی، طبیعتاً، نقش عالمان را کمرنگ‌تر خواهد نمود.

حجت الاسلام ناصری: مردم افغانستان، به شدت دینی بوده، رابطه صمیمانه و اعتماد بی‌مانندی، نسبت به عالمان دینی دارند. در صورتی که عالمان و مبلّغان، به گونه‌ای مؤثر و هدفمند و متحد عمل نموده و ید واحده باشند، خیلی، اثرگذار می‌گردند و در انتخاب رییس جمهور خود، نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

حجت الاسلام فصیحی: با توجه به جایگاه ممتاز و ویژه عالمان و مبلّغان دینی، در میان مردم افغانستان، عالمان، طلاب و اهل منبر، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای، در جهت‌دهی آرای مردم، به نامزد خاص دارند.

با توجه به نزدیک شدن ایام انتخابات ریاست جمهوری، در افغانستان، عالمان و گویندگان محترم، هموطنان شیعه و سنی، سعی نمایند، کاندیدایی را به مردم معرفی نمایند که:

۱. از ارزش‌های اسلامی و ملی پاسداری نماید.

۲. منافع و مصالح ملی و کشور را بر منافع حزبی، قومی و ... ترجیح دهد.

۳. تمام تلاش خود را به بازسازی و آبادانی کشور صرف نماید.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۳۵

۴. به خواست‌های معقول تمام اقوام ساکن در افغانستان توجه نماید.

۵. در تأمین امنیت پایدار، کوشش نماید.

۶. از دستاوردهای جهاد مقدس و خون شهدا، محافظت و در استقلال کشور، از هیچ تلاشی

فروگذار نشود.

پیام‌مبلغ: حضور نیروهای خارجی، در مؤسسات گوناگون، چه تأثیری، در روند بازسازی افغانستان داشته است؟ آیا کمک‌های آن‌ها، در حل معضلات اقتصادی و شغلی مردم، نقش مؤثری دارند؟

آیت الله محقق کابلی: آن‌طور که جهان، انتظار آن را داشت و تبلیغ می‌شد، مؤثر نبوده

است.

حجت الاسلام سلکی: نیروهای خارجی، برای پوشش دادن به خلأهای موجود، در جامعه افغانستان، حاضر نشده‌اند؛ بلکه، آنان، برای جمع‌آوری اطلاعات اجتماعی و رصد اوضاع، حاضر گشته‌اند. کشورهای غربی، برای تأثیرگذاری فرهنگی و تکمیل نقش نیروهای نظامی، در تغییر شرایط اجتماعی جامعه افغانستان وارد شده‌اند و نسبت به بازسازی آن کشور، اهتمام کمی دارند؛ چگونه است که قدرت‌های اقتصادی درجه یک دنیا، در بازسازی افغانستان، کارنامه‌ای، به مراتب ضعیف‌تر از جمهوری اسلامی ایران دارند؟

حجت الاسلام ناصری: هرچند، بازسازی، در کشور انجام یافته، نسبت به توقعات مردم و انتظارات موجود، در این باره، ناچیز است و متأسفانه، اشتباهات و ابهامات زیادی، در این دو حوزه وجود دارند.

حجت الاسلام فصیحی: علیرغم وجود مؤسسات و NGOهای به اصطلاح، خیریه و بشردوستانه خارجی، آن گونه که مردم افغانستان انتظار داشتند و رسانه‌های غربی تبلیغ می‌کردند، به بازسازی زیرساخت‌ها و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم نپرداختند و برای جوانان جویای کار، ایجاد اشتغال نکردند.

این مؤسسات، بخش عظیمی از کمک‌هایی را که از سوی کشورهای خارجی، در اجلاس «بن» و «توکیو» و ... برای بازسازی افغانستان، اختصاص یافته بود، دوباره، به کشورهای خود برمی‌گردانند؛ زیرا، اکثر تکنسین‌ها و کارمندان این مؤسسات که پروژه‌های مختلف را به انجام

۳۶.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

می‌رسانند، خارجی هستند و در ازای کاری که انجام می‌دهند، حقوق بسیار بالایی دریافت می‌کنند.

از سوی دیگر، اکثر قریب به اتفاق این مؤسسات، دچار کارهای روزمره‌اند و از پرداختن به کارهای اساسی و زیربنایی و بازسازی خرابی ناشی از جنگ‌های چندین ساله امتناع می‌کنند. ۶ - ۷ سال، از حضور مؤسسات و نیروهای خارجی، در افغانستان می‌گذرد؛ آن گونه که انتظار می‌رفت، از سازندگی و بازسازی و ایجاد اشتغال خبری نیست.

پیام مبلّغ: با توجه به حضور نیروهای ناتو، در شهرهای مهم و کلان افغانستان و شعارهای نابودی القاعده و طالبان و دستگیری «بن لادن» و «ملا عمر»، چرا، روز به روز، قدرت طالبان افزایش می‌یابد؟

آیت الله محقق کابلی: یأس و ناامیدی مردم، از همکاری کشورهای غربی.

حجت الاسلام سلکی: طالبان، پیش از آن‌که یک نیروی نظامی باشند، یک جریان اجتماعی و فرهنگی اند و در تاریخ و فرهنگ افغانستان ریشه دارند؛ آنچه، گرایش به طالبان را افزایش می‌دهد، ظلمی است که اشغالگران، به مردم مظلوم و بی‌گناه روا می‌دارند و این ستم، ایشان را به پناه‌جویی نزد گروه طالبان فرا می‌خواند.

حجت الاسلام ناصری: در پاسخ قبلی، اشاره نمودم که اشتباهات و ابهامات بسیاری، در این باره وجود دارند؛ برخی از آن‌ها، به فساد و ناآشنایی و ناهماهنگی نیروهای خارجی و برخی، به فساد اداری و ناکارآمدی دولت موجود برمی‌گردند.

حجت الاسلام فصیحی: ظاهراً، خود آن‌ها، درصدد از بین بردن طالبان و القاعده، در افغانستان نیستند؛ حتی، در برخی از موارد، به صورت نیمه علنی، به نیروهای طالبان، امکانات و تجهیزات نظامی می‌دهند و در بعضی از مناطق، اگر مردم و اردوی ملی، بخواهند، بر ضد طالبان اقدام نمایند، مانع می‌شوند؛ چند روز پیش، رسانه‌های جهان، از قول «آصف علی زرداری»، رئیس جمهور پاکستان، گزارش دادند که نیروهای امنیتی پاکستان، «اسامه بن لادن» رهبر القاعده را چند روز، بعد از حادثه «یازده سپتامبر» دستگیر کردند؛ ولی، نیروهای امریکایی، دوباره آزاد کردند.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۳۷

پیام مبلغ: طبق قانون اساسی افغانستان، مذهب شیعه رسمی است؛ به نظر حضرتعالی، چقدر، این قانون، جنبه عملیاتی یافته است؟ گسترش فرهنگ تقریب مذاهب، چه میزان، در فروکش نمودن جنجال‌های بی‌اساس سیاسی - دینی، تأثیرگذار است؟

آیت الله محقق کابلی: تا حدودی، جنبه عملی پیدا کرده و امیدوارم، به طور کامل، با تلاش شیعیان، حقوق حقه مسلم آن‌ها احیا گردند.

حجت الاسلام سجادی: باید، قبول کرد که از جعل قانون تا عملیاتی شدن آن، پیچ و خم‌های زیادی وجود دارند؛ موانع مختلفی، در مسیر (چه عمدی و چه غیرعمدی) کار را کند و دشوار می‌کند؛ صبر و حوصله، تلاش و پشتکار، دو عنصر اساسی‌اند که می‌توانند، هر ناممکن را ممکن سازند؛ بنابراین، تا رسیدن به وضع مطلوب، فاصله زیادی وجود دارد؛ در عین حال، کارهای خوبی هم صورت گرفته‌اند؛ احوال شخصیه شیعیان، به تصویب رسیده، مواد درسی مکاتب، برای شیعیان، طبق آموزه‌های مکتب اهل بیت : تدوین گردیده است؛ همچنین، در عرصه‌های دیگر، به طور کمرنگ و بعضاً پررنگ، نمود این اصل را می‌توان دید. بدیهی است، ما در اول راه و در خم یک کوچه‌ایم؛ پیمودن هفت شهر، تلاش نفس‌گیر و خستگی‌ناپذیری را طلب می‌نماید. خدا را سپاس می‌گوییم که این روحیه مثبت، در وجود همه، به ویژه، عالمان و روشنفکران جامعه نهادینه شده است.

تا جایی که بنده اطلاع دارم، بین پیروان مذاهب در افغانستان، اختلاف قابل توجهی نبوده، همه اختلافات، انگیزه قومی و سیاسی داشته‌اند که همه از خارج از مرزها، بر این مردم مظلوم تحمیل گردیده‌اند و از مذهب، برای ایجاد اختلاف، استفاده شده است. باید، توجه داشت که برادران اهل سنت، در افغانستان، همه حنفی هستند. جناب ابوحنیفه، شاگرد امام صادق است. عالمان و بزرگان اهل سنت، به این مسأله آگاهند، آنان محبت اهل بیت : را واجب می‌دانند و در ایام محرم، به طور گسترده، در مراسم عزاداری، مانند شیعیان، شرکت نموده و بر مظلومیت امام حسین و یاران آن بزرگوارش اشک می‌ریزند و بر ظالمان لعن و نفرین می‌کنند. در عین حال، تقریب، اصل راهبردی و اساسی است؛ این اصل، باید، از سوی همه تقویت گردد. اخذ به مشترکات و دامن نزدن، به اختلافات، صمیمیت را تقویت و دسیسه دشمنان را خنثی و امت اسلامی را به جایگاه واقعی، رهنمون خواهد نمود.

۳۸.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

حجت الاسلام سلکی: با رسمی اعلام شدن مذهب تشیع، در قانون اساسی افغانستان، مطالبه جامعه شیعی، نسبت به حقوق خود، عمیق تر شده است و اکنون، به استناد این قانون، گروه‌های مختلف شیعی، فعال هستند و از رسانه‌های مختلف برخوردار و در زمینه آموزش عالی فعال هستند.

حجت الاسلام ناصری: در قانون اساسی افغانستان، در دو حوزه، احوالات شخصیه، و آموزش معارف مذهب جعفریه، برای دانش‌آموزان شیعه، مذهب تشیع، رسمت یافته است. با توجه به مشکلات گوناگون امنیتی، اقتصادی و سیاسی کشور، روند عملی شدن موارد فوق، بد نبوده است؛ اما، فرهنگ تقریب را برای حفظ آرامش و امنیت در افغانستان، بسیار ضرور و در رأس واجبات، برای هر دو فرقه شیعه و سنی، و هرگونه بی‌توجهی، نسبت به آن را نه تنها، غیر اسلامی، بلکه، خیانت ملی می‌دانیم.

حجت الاسلام فصیحی: جواب بخش اول سؤال، منفی است؛ فقط، در کتاب‌های دینی درسی مکاتب دولتی تا مقطع کلاس ششم، مسائل فقهی و اعتقادی شیعیان گنجانده شده‌اند؛ اما، در بخش دوم سؤال، عرض می‌کنم که بر هیچ مسلمان عاقل، آشنا با مسائل روز و منصف که دغدغه دینی و اسلامی دارد، پوشیده نیست که تقریب مذاهب اسلامی و تأکید مسلمانان شیعه و سنی، بر مشترکات دینی و پرهیز از دامن زدن، به اختلافات که نسبت به مشترکات، کمند، نقش مهم، در عزت و شوکت مسلمین و از بین بردن منازعات و مناقشات بی اساس و کور سیاسی و دینی دارد. امروزه، بزرگ ترین چالش و خطری که مسلمانان را تهدید می‌کند، اختلافات مذهبی است و دشمنان اسلام، همواره تلاش می‌کنند، از طریق ایجاد اختلاف، در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی، عظمت و اقتدار مسلمانان را از میان ببرند و آن‌ها را دچار ضعف و سستی کنند که متأسفانه، در برخی از کشورهای اسلامی موفق هم بوده‌اند.

پیام مبلّغ: با توجه به این که ۹۹٪ مردم افغانستان، مسلمانند و اعم از شیعه و سنی، دارای سابقه فرهنگی غنی می‌باشند؛ در شرایط کنونی، این فرهنگ، در معرض خطر جدی قرار گرفته است؛ حضرتعالی، چه راهکارهایی را برای حفظ ارزش‌ها و اصالت-های فرهنگی - دینی مردم افغانستان، پیشنهاد می‌کنید؟

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۳۹

آیت الله محقق کابلی: به نظرم، تمام ملت افغانستان، به ویژه، فرهنگی‌ها، باید، تلاش کنند، تا استقلال افغانستان را حفظ کنند؛ سطح آگاهی و سواد مردم را بالا ببرند و به نیازهای مادی و معنوی مردم رسیدگی نمایند؛ برای پیشرفت و ترقی کشور، شب و روز تلاش کنند.

حجت الاسلام سجادی: همان‌گونه که اشاره فرمودید، مردم افغانستان، از سابقه تمدنی و فرهنگی بسیار بلندی برخوردارند؛ این مردم، خدمات بزرگی، به تمدن اسلامی نموده‌اند؛ این خطه، خاستگاه مردان بزرگی بوده که نمی‌توان، به همه آن‌ها، در این مجال اشاره کرد؛ از این - رو، مردم این سامان، در عین فقر مادی، یکی از متدین‌ترین و متعبدترین‌ها هستند؛ باید، از این سرمایه بزرگ، با تمام توان، پاسداری نمود. امروز، افغانستان، به دلیل وجود نیروهای نظامی کشورهای مختلف، عرصه تلاقی فرهنگ‌های بیگانه گردیده است؛ ولی، مردم بیدارند؛ ممکن است، از همه چیز بگذرند؛ ولی، از اسلام و فرهنگ اصیل دینی، دست نخواهند برداشت.

وظیفه عالمان، در شرایط کنونی، بسیار سنگین و پرمسئولیت است. باید، به دینداری مردم، عمق بخشید و از قشرگری به محتوا رساند. مردم را در مقابل شبهات که دامن زده می‌شوند، حفظ نمود؛ مسیحیت، زیر نام مؤسسات و NGOها، با شعارهای زیبنده و عوام‌فریبانه فعالیت می‌کنند؛ باید، به تبلیغ، عمق بخشید؛ مبلّغ، باید، از نگاه علمی و عملی، مجهز و با شگردهای رسانه تبلیغی دشمنان آشنا باشد؛ باید، به آموزه‌های ادیان و فرق و شبهات آنان، تسلط لازم و کافی را داشته باشد؛ تا بتواند، در صورت روبه‌رویی با شبهات دشمن، از آموزه‌های دین دفاع کند.

حجت الاسلام سلکی: فرهنگ‌ها، همواره، با تغییر روبه‌رو هستند؛ عصر حاضر، سرعت تغییر را بیش‌تر ساخته است و در پناه سرعت، قدرت تفکر را در جوامع، به نفع احساسات و اثرپذیری، از منابع حسی، تضعیف نموده است و این تغییر بنیادین، بن‌مایه تغییر فرهنگی و کاهش سطح اتکا، به ارزش‌های اساسی، در جامعه خواهد بود. این خطر، تنها، برای افغانستان نیست، ایران و بلکه، تمام کشورهای منطقه، از آن رنج می‌برند. هژمونی غرب، در حوزه سیاست، بازتاب خاص خود را در حوزه اقتصاد و فرهنگ حفظ خواهد کرد. پیشبرد فرهنگ - های بومی، بدون اتکا، به قدرت سیاسی بومی و مستقل و اقتصاد سالم و غیروابسته، ممکن نیست؛ همه این‌ها، در یک منظومه، با هم، در حال تبادل و تغییرند. فرهنگ موجود در افغانستان و سایر کشورهای منطقه، در ارتباط مستقیم با فرهنگ ایرانی (نه به مفهوم سرزمینی آن) بوده

۴۰.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

است؛ همان‌گونه که سنایی، برای هر ایرانی (به مفهوم سرزمینی آن) فردی شناخته شده و اشعارش رایج است، حافظ و سعدی، برای یک افغانستانی، همین‌گونه است. جداساختن این فرهنگ‌ها و تبدیل ساختن آن، به جزایر پراکنده، شیخون فرهنگی را آسان‌تر می‌سازد. ایران، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، بخش‌های قابل توجهی از هندوستان، پاکستان، عراق، ترکیه و سوریه، در عناصر فرهنگی زیادی، دارای اشتراک هستند، فرهنگ، از جنسی نیست که هر کس سهمی بردارد و برود؛ یا هر گروه، به تنهایی، بتواند، سهمی، بر آن بیفزاید؛ فرهنگ، بیش از آن‌که رقابت‌پذیر باشد، مشارکت‌جو است و حل مشکل‌های فرهنگی، در گرو این مشارکت-ها است. چه در درون جامعه افغانستان و بین پشتون و تاجیک و هزاره و ... و چه فراتر از آن.

حجت الاسلام ناصری: البته، بدان گونه‌ای که شما، خطر را جدی پنداشته‌اید و مطرح می-

کنید، موافق نیستم؛ اما، به هر صورت، دشمن، اگر گاه باشد، باید، کوه شمرد و برای مقابله با آن، آمادگی داشت. باید، راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی، جهت حفظ ارزش‌ها، با استفاده از دیدگاه‌های اصیل و تجارب مثبت بشری، و لحاظ شرایط بومی کشور، در نظر گرفته شوند؛ از جمله: مبلغان و به طور کلی، عالمان و طلاب، پس از تشکل یافتن، در محدوده ولسوالی‌ها و ولایات، باید، یک سازمان سراسری بیابند که این امر، برکات فراوان دارد؛ از جمله: می‌تواند، تبلیغات ما را بهبود بخشیده، از وضعیت نابسامان کنونی در بیاورد. این مطلب، نیازمند تفصیل است که مجال آن نیست؛ به هر صورت، امروز، اقشار گوناگون، برای توفیق و به روز شدن خود، دست به تشکل‌سازی و به وجود آوردن اتحادیه‌ها زده‌اند؛ حتی، جنایتکاران، سازمانی و شبکه‌ای عمل می‌کنند! آیا، عالمان و طلاب، برای فعالیت‌های فرهنگی و دینی، نباید، یک سازمان سراسری به روز، منسجم، با رویکرد کاملاً مشارکتی داشته باشند؟ در نتیجه، با توجه به تخصصی شدن علوم، مبلغان، شبهات را با ملاحظه تخصص خود پاسخ بدهند.

حجت الاسلام فصیحی: همان‌گونه که فرمودید، مردم نجیب و مسلمان افغانستان، دارای

پیشینه تمدن بزرگ و فرهنگ غنی است. به همین جهت، سهم بزرگی، در ایجاد تمدن، شکوفایی و توسعه آن و غنای فرهنگ اسلامی و انسانی دارد. روزگاری، بلخ، غزنه و هرات، مهد تمدن، فرهنگ و پرورش رجال بزرگ، مانند مولانا جلال الدین بلخی، سنایی غزنوی، خواجه عبدالله انصاری (معروف به پیر هرات) بودند؛ به همین دلیل، سال ۲۰۱۳ میلادی شهر باستانی و تاریخی غرنی، از سوی سازمان بین‌المللی «یونسکو» پایتخت فرهنگی جهان اسلام

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۴۱

نام گرفته است؛ اما، متأسفانه، به تدریج، به ویژه، در سال های اخیر، شکوه و عظمت خود را از دست داده است؛ بنابراین، بر هر افغانی که حب وطن دارد و دلش، برای کشورش می تپد، به ویژه؛ مسؤولان، عالمان، دانشمندان، فرهنگیان و اصحاب قلم و رسانه لازم است که درصدد احیای ارزش ها و بازسازی و شکوفایی تمدن و فرهنگ کهن بلخ، غزنه، بامیان و در یک کلمه، افغانستان و خراسان قدیم برآیند. به نظر بنده، چند راهکار، برای این مهم وجود دارد:

۱. نگاه عبرت انگیز، به گذشته افغانستان و مطالعه تاریخ درخشان افغانستان و خراسان قدیم.

۲. حفظ استقلال ملی و اتحاد و اخوت اسلامی و ملی.

۳. مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه.

۴. توجه به ارزش های اسلامی، اخلاقی و ملی.

۵. حضور افراد آگاه و کارشناس دینی و فرهنگی، در رسانه های دیداری، شنیداری و

مکتوب.

۶. پاسخ عالمانه، به شبهات و انحرافات.

۷. تصحیح، احیا و معرفی آثار مفاخر افغانی، به نسل جدید.

۸. تجلیل، از بزرگان و مفاخر کشور.

پیام مبلغ: آیا نظام سیاسی جدید افغانستان را می توان، نظام ملی و دموکراتیک خواند؟

آیت الله محقق کابلی: دموکراتیک، از امور نسبی است؛ مردم، نسبت به بعضی دوره های گذشته، از آزادی نسبی برخوردارند؛ به ویژه، جامعه شیعه؛ بنابر این، نسبت به کمال مطلوب فاصله زیادی دارند.

حجت الاسلام سلکی: مفهوم دموکراسی، مفهومی نسبی است و بر اساس ارزش های فرهنگی هر قوم و ملت، قابل توجیه است.

حجت الاسلام ناصری: نظام سیاسی موجود در افغانستان، هرچند، از جهاتی قابل نقد است، بهترین نظامی است که تاکنون، در آن کشور تجربه شده است.

حجت الاسلام فصیحی: بله! زیرا، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس ملی و شوراهای ولایتی، توسط مردم انتخاب می شوند و در اکثر ادارات دولتی، از اقوام مختلف حضور دارند؛ هرچند، حضور اقوام، نسبت به جمعیتشان اندک است و نیز، در نحوه برگزاری انتخابات و ناظران داخلی و بین المللی آن، حرف و حدیث هایی وجود دارند.

پیام مبلغ: مهم‌ترین، شاخصه‌های نظام مردم‌سالاری چیست و تشکیل چنین نظامی، تا چه میزان، در کشور افغانستان امکان‌پذیر است؟

آیت الله محقق کابلی: رعایت عدالت اجتماعی، در تمام زمینه‌ها.

حجت الاسلام سجادی: مردم‌سالاری، یعنی: اعتنا کردن، به خواسته‌های مردم، یعنی: درک کردن حرف‌ها و دردهای مردم. در جامعه‌ای که مردم آن، اکثراً مسلمانند، حکومت و نظام آن جامعه، باید، حکومت مکتبی باشد؛ یعنی: حکومت اسلامی و شریعت اسلامی. احکام و مقررات اسلامی، باید، بر زندگی مردم حکومت کنند؛ در چنین نظامی، مردم، سالارند؛ انتخاب می‌کنند و تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را توسط منتخبان خود در اختیار دارند. شاخصه‌های نظام مردم‌سالاری، با استفاده از آموزه‌های دین، یعنی: سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار : عبارتند:

۱. خدا محوری؛ ۲. مشارکت مردمی؛ ۳. قانون‌محوری و قانونمداری؛ ۴. شایسته سالاری؛ ۵. ارتقای آگاهی جامعه؛ ۶. آزادی، در انتخاب حاکم یا رییس جمهور؛ ۷. خدمتگزاری و پاسخگویی، به آحاد جامعه؛ ۸. نظارت مردم بر دولت؛ ۹. مشورت با مردم، در مسائل کلان کشور؛ ۱۰. تأمین عدالت اجتماعی؛ ۱۱. رعایت کرامت انسانی؛ ۱۲. نفی هرگونه ستمگری، سلطه‌گری، ستم‌کشی و سلطه‌پذیری، در دو عرصه داخلی و بیرونی؛ ۱۳. اعتدال اقتصادی؛ ۱۴. توسعه اجتماعی، بر مدل و الگوی توسعه متوازن و همه جانبه و به صورت ترکیبی، از تأمین نیازهای مادی و معنوی؛ ۱۵. آزادی توأم با عدالت اجتماعی؛ ۱۶. عدالت توأم با مردم‌سالاری دینی و ...

نه تنها، در افغانستان [که اکثریت مطلق آن را مسلمان تشکیل می‌دهد] چنین نظامی، امکان‌پذیر است، بلکه، اجرای این نظام، در همه کشورهای اسلامی، ممکن است؛ در افغانستان، زیرساخت‌ها، در حال شکل‌گیری‌اند؛ قانون اساسی، تا حدودی، در این راستا است؛ البته، از وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب، فاصله زیاد است؛ بی‌تردید، تلاش همه، در این مسیر کارساز است.

حجت الاسلام سلکی: مشارکت توده‌ها و انگیزه‌مند بودن، برای رقم زدن سرنوشت خود، میزان تحقق مردم‌سالاری، قبل از وابسته بودن آن به مردم، در گرو میل و اراده قدرت‌های

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۴۳

غربی است که چنین مطالبی را بر نمی‌تابند. آنان، دموکراسی را اراده نمی‌کنند که نتیجه‌اش، واگذاری صحنه باشد؛ لکن، اگر، به رغم میل قدرت‌ها، بتوان، توده‌های مردمی را به جنبش واداشت، می‌توان، به تحقق نظام مردم‌سالار امیدوار بود.

حجت الاسلام ناصری: مهم‌ترین، شاخصه‌های نظام مردم‌سالاری، مشارکت مردم، در انتخاب مسئولان امر است که در واقع، پاسخگویی مسئولان و گردش قدرت و نقد آن را در پی دارد. و چنین نظامی، در افغانستان، با ملاحظه شرایط بومی و فرهنگی، باید، پی گرفته شود.

حجت الاسلام فصیحی: ۱. رییس دولت و نمایندگان مجلس، توسط انتخابات سالم و آرای مستقیم مردم انتخاب شوند.

۲. نهادهای مدنی و غیر دولتی، به صورت آزادانه، در زیر سایه نظام حاکم، شکل گرفته و به حیات خود ادامه دهند.

۳. وجود احزاب مختلف، در یک کشور.

۴. وجود آزادی بیان و مطبوعات.

۵. توجه به خواسته‌های اکثر مردم.

پیام مبلغ: با توجه به نظام سنتی و قبیله‌ای کشور افغانستان، رییس جمهور، باید، دارای چه ویژگی‌های برجسته‌ای باشد؟

آیت الله محقق کابلی: مسلمان، مدیریت قوی داشته باشد؛ دلسوز ملت باشد؛ عدالت اجتماعی را رعایت کند.

حجت الاسلام سجادی: علاوه بر آنچه، در قانون اساسی ذکر شده، به نظر می‌رسد که رییس جمهور، باید، در شرایط کنونی، از ویژگی‌های زیر نیز برخوردار باشد:

مشکلات کشور را خوب بفهمد؛ با همه اقوام، یگانه و صمیمی باشد؛ سازوکارهای تقویت هویت ملی، در دستور کارش باشند؛ برای برون‌رفت کشور، از وابستگی سیاسی و اقتصادی، راهکارهای درست و منطقی داشته باشد؛ برنامه اقتصادی کلان داشته و در عین حال، از برنامه‌های اقتصادی زودبازده غافل نباشد؛ از فساد دور باشد؛ توانایی مدیریت کشور را در مبارزه با ناامنی و مواد مخدر داشته باشد و ...

۴۴.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

حجت الاسلام سلکی: طبعاً، مصالح اکثریت را در نظر گرفته و از قدرت ایجاد اعتماد، در اقلیت برخوردار باشد و بتواند، منصب ریاست جمهوری را به تجلی‌گاه ظهور اراده ملی تبدیل کند.

حجت الاسلام ناصری: باید، ویژگی‌های مهمی، چون: عدالت‌مداری، ظلم‌ستیزی، اهتمام به شایسته سالاری، قاطعیت در برقراری امنیت و اجرای قانون، پاکیزگی خود و اطرافیان، از فساد و مبارزه با فساد اداری و دارای عزت نفس و توان بالای مدیریتی، به ویژه، در مدیریت بحران و ... برخوردار باشد.

حجت الاسلام فصیحی: باید، روحیه فرا قومی و مذهبی داشته و از تعصبات قومی، زبانی و مذهبی، به دور باشد؛ فقط، به منافع و مصالح ملی بیندیشد و به خواسته‌ها و حقوق همه اقوام و مذاهب رسمی کشور توجه نماید؛ در کابینه و ادارات دولتی واردوی (ارتش) ملی، از تخصص و ظرفیت همه اقوام ساکن در افغانستان، به تناسب جمعیتشان استفاده نماید و با همه، تعامل داشته باشد؛ بیگانه ستیز باشد و به استقلال و اعتلای کشور توجه نماید.

پیام مبلّغ: نقش روحانیت را در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امروز افغانستان، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آیت الله محقق کابلی: نسبت به زمان‌های گذشته، نقش روحانیت، خیلی برجسته است و تلاش می‌شود که در جامعه، نقش مهم‌تر داشته باشند.

حجت الاسلام سجادی: روحانیت، در عرصه‌های مختلف، نقش ارزنده‌ای ایفا کرده‌اند؛ محصول این تلاش‌ها، اعتماد محکم، پایدار و استوار مردم، به روحانیت است. امروز، در سراسر افغانستان، ملجأ و پناهگاه مردم، روحانیت است؛ البته، نقش روحانیت، در مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در طول تاریخ، برجسته و کارساز بوده است. دوران سی سال جهاد و مقاومت شاهدهی، بر این مدعا است که در آن، نقش روحانیت، برجسته و کلیدی بوده‌اند؛ امروز نیز چنین است. مردم افغانستان، متدین و دیندارند. این مردم، بر اساس همین ویژگی، به همه چیز، رنگ دینی می‌دهند؛ از این‌رو، روحانیت، در همه عرصه‌ها می‌تواند، نقش ایفا نماید. در صحنه سیاسی، دیدگاه روحانیت، کارساز و برجسته است؛ از این‌رو، می‌تواند، در جریان انتخابات، نقش مثبت و سازنده ایفا نماید. این پتانسیل، در سازمان روحانیت وجود دارد

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۴۵

که در عرصه فرهنگی و اجتماعی، به شرط هماهنگی، فضای فرهنگی و اجتماعی را متحول نماید.

حجت الاسلام سلکی: صحبت از نقش، طبعاً، با سخن از تأثیر متفاوت است؛ روحانیت (چه شیعه و چه سنی) از پایگاه اجتماعی مقبولی، در بین توده‌های افغانستان، برخوردار بوده و متناسب با آن، به ایفای نقش می‌پرداخته است.

حجت الاسلام ناصری: نقش روحانیت، در عرصه‌های مختلف افغانستان، به میزان آمادگی و توانایی و به روز شدن آنان بستگی دارد. در صورتی که این گروه، سازماندهی لازم را پیدا کنند و از وابستگی، به احزاب سیاسی و جریان‌های محلی، فاصله آزادگی و حالت پدری خود را به مصداق «ورثة الانبياء» و «انا و علی ابوا هذه الامة» را پیدا کنند و وابستگی و تعلق سیاسی، به قدرتمندان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیدا نکنند، می‌توانند، بیش از گذشته، اهمیت یافته و ایفای نقش کنند؛ ذی‌طلبگی، سازمان‌یافتگی، برنامه‌ریزی و حضور مؤثر، در صحنه‌های مختلف، با هماهنگی و مساعدت یکدیگر، می‌تواند، بسیاری از مشکلات را حل و بر توفیق آنان بیفزاید؛ در غیر این صورت، انزوای روزافزون این جماعت، دور از انتظار نیست.

حجت الاسلام فصیحی: با توجه به این‌که مردم افغانستان، مردم سنتی و مذهبی و پابند، به ارزش‌های اسلامی‌اند، در طول تاریخ این کشور، روحانیت، در میان مردم، از جایگاه و احترام خاصی برخوردار بوده است؛ از این‌رو، در همهٔ زمینه‌ها و مشکلات، به عالمان و روحانیت مراجعه می‌کنند و ایشان را به عنوان پایگاه و پناهگاه مطمئن خود می‌دانند؛ به همین دلیل، به راهنمایی‌ها و توصیه‌ها و نصایح عالمان توجه می‌کنند؛ در نتیجه، عالمان دینی، در همهٔ عرصه‌ها و زمینه‌ها، مانند سیاست، فرهنگ، اجتماع، جهاد و مبارزه با دشمن، نقش ممتاز دارند. از مطالعه تاریخ این کشور، به ویژه، تاریخ سی سالهٔ اخیر، به خوبی، به صدق این ادعا پی می‌بریم. متولیان امور فرهنگی و اجتماعی و سران احزاب شیعی و سنی، عمدتاً روحانی بوده‌اند.

پیام مبلغ: موفقیت یا عدم موفقیت عالمان افغانستان را در طول سی سال گذشته، در چه چیزهایی می‌بینید؛ به نظر شما، بزرگ‌ترین، چالش امروز این کشور چیست و علل ناکامی این عالمان کدامند؟

۴۶.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

آیت الله محقق کابلی: روحانیت، در طول سی سال، نقش اساسی داشتند؛ به ویژه، روحانیت شیعه، در آزادی افغانستان، از اشغال متجاوزان، پرچمدار مبارزه بودند؛ نقص و کمبودی که احساس می‌شود، به دلیل عدم تشکیلات و عدم آشنایی با شرایط روز است و ...

حجت الاسلام سجادی: نقش عالمان دین را باید، در فضا و شرایط موجود هر کشور، بحث و بررسی کرد. هر کشور، مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌های خاص خویش را دارد. بدیهی است، این شرایط، نسبت به کشورها متفاوتند؛ البته، نقش عالمان دین، در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور افغانستان جای انکار نیست. روحانیت، موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند. شکست و اخراج ارتش سرخ، از افغانستان، اسلامیت نظام، با قید جمهوری اسلامی، رسمیت مذهب شیعه، یک شبه به دست نیامده‌اند، در عقبه این دستاوردهای بزرگ، مبارزات دشوار و نفس‌گیر روحانیت بوده است؛ شهدای روحانیت کم نیستند؛ علامه شهید سید اسماعیل بلخی، برای احقاق حق و اجرای عدالت، سال‌ها، در زندان باقی ماند و شاهد شهادت نوشید؛ پس از ایشان، بزرگان دیگر، مانند آیت الله سید سرور واعظ که اثر گرانسنگ ایشان «مصباح الاصول» برای صاحبان فضل آشنا است، آیت الله ناصری، آیت الله بحرالعلوم و ... به نظر بنده، موفقیت‌های عالمان، از اخلاص، تهذیب نفس، تعهد به احکام شرعی، زهد، پارسایی و ساده‌زیستی آنان نشأت گرفته‌اند؛ همچنین، حضور داشتن و در صحنه بودن آنان، توقع نداشتن از کسی، استقلال و عدم وابستگی، به کشورهای بیگانه، در یک کلمه، خدایی بودن، از دلایل بارز موفقیت‌های آنان است.

عدم موفقیت عالمان دین را در برخی عرصه‌ها، می‌توان، از موارد زیر ناشی دانست:

عدم سازماندهی و نظم، فقدان برنامه کلان و درازمدت، آشنا نبودن، با ابزار و وسایل جدید و به‌روز، قشرگرایی و جمود برخی.

حجت الاسلام سلکی: تخریب به مفهوم غربی آن، سم مهلک، برای روحانیت افغانستان است و خواهد بود و بزرگ‌ترین چالش این کشور، در شرایط حاضر، فقدان نظارت کارآمد، بر مجموعه فعالیت‌های حکومت است. از آن‌جا که اکثریت جامعه افغانستان را برادران اهل سنت تشکیل می‌دهند و قدرت، از لحاظ مبانی فقهی آنان، (فی حد ذاته) با مشروعیت ملازم است، در تاریخ، حرکتی، برای نظارت بر قدرت صورت نپذیرفته است. مراد از نظارت، آن جنبه تأمین-

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۴۷

کننده صلاحیت‌های شرعی حکومت است والا، درباره صلاحیت‌های عرفی، مشارکت مردم، تأمین‌کننده نظارت خواهد بود.

حجت الاسلام ناصری: در پاسخ سؤال پیشین، گفته شد که عالمان دینی افغانستان، چگونه می‌توانند، بر میزان اثرگذاری و توفیقشان، در اجرای رسالت دینی خویش، بیفزایند؛ عالمان دینی افغانستان، در سی سال گذشته، دارای فراز و فرود فراوان بوده‌اند که بررسی اجمالی آن، مجال دیگر و فرصتی بیش از این می‌طلبد. در مجموع، هر جا روحانیان و عالمان دینی افغانستان، مانند سایر کشورها، از انسجام، استقلال و پایداری بیش‌تر برخوردار بوده‌اند، توفیق بیش‌تر داشته‌اند و هر جا، دچار عدم انسجام، ترس و ناامیدی بوده‌اند، به احزاب، شخصیت‌های ذی نفوذ داخلی و دولت‌های وقت و مسائل منطقی‌ای، نژادی، خرافات و عوام‌زدگی، وابستگی نشان داده‌اند، نه تنها، خود، که جامعه، خسارت دیده‌اند.

حجت الاسلام فصیحی: مهم‌ترین پیروزی و موفقیت عالمان دینی افغانستان، رهبری جهاد مقدس و مبارزه با اشغالگران ارتش سرخ شوروی سابق و شکست و بیرون راندن آنان، از کشور، با دست خالی و با توکل و با ایمان خدا است که شکست نظام کمونیستی و از هم پاشیده شدن بلوک شرق را در پیش داشت. بی‌تردید، روحانیت، در جهاد، بر ضد اشغالگران، در طول تاریخ این کشور، به ویژه، اشغالگران شوروی سابق، نقش کلیدی داشت؛ جدای از این‌که تمام رؤسای احزاب جهادی، روحانی بودند، روحانیت، نسبت به تعدادشان، در مقایسه با اقشار دیگر، بیش‌ترین شهید، مجروح و اسیر دارند.

متأسفانه، با دلایلی که مجال ذکر آن‌ها نیست، از جمله: دخالت بیگانگان و دشمنان اسلام؛ روحانیان، نتوانسته‌اند، از دستاوردهای این جهاد مقدس و پیروزی بزرگ پاسداری نمایند و طعم شیرین جهاد و پیروزی، بر کام مردم، تلخ و مردم، ناخواسته دچار جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی شده‌اند که نتیجه این جنگ‌های کور و بی‌حاصل، زمینه ویرانی بیش‌تر و اشغال مجدد این کشور مظلوم و مسلمان را فراهم کرده است!

به نظر می‌رسد، وضعیت بد اقتصادی، بیکاری، تهاجم فرهنگی، وجود نیروهای بیگانه، ناامنی، تولید مواد مخدر، افراط‌گرایی برخی از گروه‌های مذهبی، از مهم‌ترین، مشکل و چالش مردم افغانستان به شمار می‌آیند.

پیام مبلّغ: راهکارهای عملی احیای حوزه‌های علمیه و مکتب‌خانه‌ها را بیان کنید؟

آیت الله محقق کابلی: بحمدالله، زمینه فعالیت، در افغانستان زیاد است؛ در تمام شهرها، قریه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و مکتب‌خانه‌ها وجود دارد و عالمان و فضلا هم، در حوزه‌های علمیه، در خارج از کشور زیادند؛ اگر احساس مسؤولیت کنند و در آنجا مستقر شوند و مشغول کار شوند و جمهوری اسلامی ایران، از نظر اقتصادی و ... کمک کند. مسلماً، وضع آنجا تغییر می‌کند.

حجت الاسلام سجادی: خوشبختانه، در افغانستان، تا حدودی، هم، حوزه‌های علمیه فعالند و هم مکتب‌خانه‌ها؛ ولی، آنچه مهم است، حمایت، تقویت و به روزرسانی این دو نهاد با ارزش علمی است. حوزه علمیه، با کم‌ترین امکانات، به حیات خویش ادامه می‌دهد که کم‌کم و کیفاً جوابگو نیست. استعدادهای خوب و با ارزش، جذب دانشگاه‌ها می‌شوند؛ حتی، توسط نمایندگان کشورهای خارجی، بورسیه و به سوی کشور بیگانه رهسپار می‌گردند. معلوم نیست، آنان، دوباره، برای خدمت، به کشور بازگردند. اصلاً پروژه کلان وجود دارد که نخبه‌ها و استعداد‌های کشورهای جهان اسلام را جذب غرب نمایند. غربی‌ها، متوجه این نکته شده‌اند که با استعدادترین‌ها، در خرابه‌های این کشور است؛ این‌ها، اسلاف ابن سیناها، مولوی‌ها، ابوریحان‌ها، فارابی‌ها و ... هستند. بدون مبالغه، ما دارای پتانسیل بالایی هستیم که در هیچ کشوری وجود ندارند؛ باید، به خود برگردیم؛ استعدادها را شناسایی نموده و در جهت درست هدایت نماییم.

بنابراین، حوزه‌های علمیه، نیازمند سازماندهی، کمک و حمایت هستند. متأسفانه، کار قابل توجهی، تاکنون صورت نگرفته است. سی سال پیش، حوزه‌های علمیه، با وجوهات اداره می‌شدند. مؤمنین، توان مالی خوبی داشتند؛ اما، امروزه، مردم افغانستان بسیار فقیرند. در این سی سال جنگ و سال‌های متوالی خشکسالی، تمام زیرساخت‌ها، از بین رفته‌اند؛ مردم، با قوت لایموت، زندگی می‌کنند؛ پس، چه باید کرد؟ آیا، باید، دست روی دست گذاشت و شاهد فروپاشی نظام سنتی تعلیم و تعلم بود، یا کاری کرد؟

به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های احیای حوزه‌های علمیه، حمایت متمولان مؤمن و بااحساس کشورهای مسلمان است؛ آن هم، از طریق مراجع معظم تقلید.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۴۹

ما می‌دانیم که در برخی کشورها، وجوهات بی‌شماری، صرف ساختن مناره‌ها و گنبد‌های مساجد و تزئین آن‌ها می‌شوند که هیچ دردی، از مسلمین دوا نمی‌کنند؛ در حالی که بسیارند، از دانش‌پژوهان علوم اسلامی که به نان شبشان محتاجند: «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

حجت الاسلام سلکی: اگر بخواهیم، به زبان اقتصاد سخن بگوییم، چنین خواهد بود: باید، چرخه، تولید، توزیع و مصرف رعایت شود.

حجت الاسلام ناصری: باید، از طریق حضور عالمان و فضایی شیعه، در داخل کشور و تحمل شدايد، زیستن در داخل افغانستان، به ویژه، مناطق دشوار گذار و فقرزده هزارستان، اعتماد مردم را به روحانیت احیا نمود؛ سپس، با جذب کمک‌های خارجی و داخلی، به تأسیس مراکز و حوزه‌های علمیه پرداخت؛ نسبت به استحکام و شرایط مهندسی ساختمان‌ها، از سویی و تجهیز آن‌ها، به کتابخانه، رایانه و اماکن لازم دیگر و امور رفاهی طلاب، اهتمام جدی ورزید. عالمان و فضایی افغانستانی، از خارج کشور، به ویژه، حوزه علمیه قم، باید، دست‌اندرکاران اصلی باشند و در امر مدیریت، تدریس و برنامه‌ریزی آن، از این نیروهای جوان و دارای دانش دینی و مسائل روز، بهره برده شود. برنامه‌های آموزشی متون درسی، مدارک تحصیلی و سایر امور نیز، باید، با ملاحظه تجارب گذشته و نیازهای کنونی، در نظر گرفته شوند و از هرگونه، سطحی‌نگری و تحجر،

اجتناب شود. مکتبخانه‌ها نیز، باید، با تمام وجود، پاس داشته شده، از سقوط آن‌ها، جلوگیری شود؛ برنامه‌های آموزشی، متون درسی و استادان آن‌ها، باید، به روز شوند که تفصیل این امر، مجال دیگری می‌طلبد.

حجت الاسلام فصیحی: هم اکنون، حوزه‌های علمیه، در سراسر افغانستان، به ویژه، مناطق شیعه نشین فعالند؛ ولی، به دلیل به وجود آمدن فضای جدید و رونق گرفتن مدارس دولتی، نسبت به گذشته، کم رونق شده‌اند. به نظر بنده، چند راهکار، جهت شکوفایی و تقویت حوزه‌های علمیه افغانستان وجود دارد.

۱. افراد دلسوز، مؤمن، متقی، باسواد، خوش‌فکر، آشنا، به مسائل و ادبیات روز، مدیریت حوزه‌ها را به عهده گیرند.

۲. متون درسی مناسب، جهت تدریس تهیه شود.

۵۰.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

۳. استادان فاضل و آشنا، با روش و فنون تدریس جذب شوند.
 ۴. افرادی، به عنوان طلبة، پذیرش شوند که دست کم، مدرک سیکل داشته باشند.
 ۵. نیازها و مشکلات اقتصادی و معیشتی استادان و طلاب، در حد ممکن تأمین شوند.
- به نظر می‌رسد، تأمین مشکلات اقتصادی مدارس دینی افغانستان، کار ساده‌ای است؛ زیرا، شیعیان افغانستان، به خمس و زکات اعتقاد ویژه دارند و در ادای آن کوتاهی نمی‌کنند؛ به گونه‌ای که هر ساله، سهمین را به مراجع تقلید خود، در ایران ارسال می‌کنند؛ بنابراین، اگر مراجع معظم تقلید، اجازه مصرف زکات و تمام سهم امام را به حوزه‌های علمیه بدهند، تقریباً، مشکلات اقتصادی حوزه‌های علمیه افغانستان، برطرف می‌شود.

پیام مبلغ: هم اکنون، عده زیادی، از فضلا و طلاب، در حوزه علمیه قم، دانش آموخته شده‌اند؛ آیا وقت آن نرسیده است که به کشور خود بازگشته و رسالت و رهبری جامعه را به عهده بگیرند؟

الف) لطفاً موانع بازگشت را بیان کنید.

ب) راهکارهای سازنده و عملی، به ویژه، روش مبارزه با تحجرگرایی را بیان کنید.

ج) نقش مرجعیت دینی افغانستان را، در این مسأله توضیح دهید.

د) راهکارهای بکارگیری فضلا و طلاب را به اختصار بیان کنید.

آیت الله محقق کابلی: چرا وقت آن فرا رسیده است.

الف) مانع بازگشت: عمده‌ترین مانع، ضعف اقتصادی است؛ ب) سیره عملی پیامبر اسلام و ائمه معصومین : و عالمان سلف و مسؤولیتی که عالمان به عهده دارند، بهترین روش، برای مبارزه با تحجرگرایی است.

ج) نقش مرجعیت، در این مسأله، بسیار مهم و خطیر است و وظیفه یک مرجع مبسوط الیه است که حوزه‌های علمیه را فعال کند و سطح آگاهی دینی و رشد فکری جامعه را بالا ببرد.

د) طلاب، درست درس بخوانند؛ تهذیب نفس داشته باشند؛ خودشان را برای خدمت آماده کنند؛ در سنگرهای دینی و مذهبی (مساجد، حسینیه‌ها و مدارس و ...) مستقر شوند.

حجت الاسلام سجادی: شکی نیست که رسالت اصلی عالمان تبلیغ دین و هدایت جامعه، به سوی تعالی و جلوگیری از انحرافات است؛ تا جایی که من اطلاع دارم، تعداد زیادی، از

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۵۱

عزیزان دانش‌آموخته جامعه المصطفی العالمیه به کشور برگشته‌اند و کارهای فوق‌العاده مهم و سرنوشت‌سازی انجام داده‌اند؛ هم اکنون، در سطوح بالای مدیریت، از وزارت، معاون وزیر، نماینده پارلمان، رییس دانشگاه، استاد دانشگاه، قاضی، تدریس، در حوزه‌های علمیه، رییس کانون‌های قرآنی و فرهنگی، مبلغ دین، کارشناس تلویزیون، تأسیس و مسؤولیت، در مؤسسات فرهنگی، معاون والی، در بخش فرهنگی سفارتخانه‌ها، و ... مشغول خدمت‌رسانی می‌باشند؛ ما بدینسان، قدردانی و سپاس خود را از جامعه المصطفی العالمیه اعلام می‌داریم.

در عین حال، وضعیت کشور ما، با هیچ کشور دیگری، قابل قیاس نیست؛ این کشور، شرایط خاص خود را دارد. مانند مجروحی است که برخی، زخم‌هایش التیام یافته، و از برخی زخم‌ها، تاکنون، خونابه جاری است. به این بیمار، باید، به اندازه لازم، آب و غذا تجویز گردد و با مدارا و احتیاط رفتار شود. ظرفیت کار و جذب نیروها، با کارشکنی‌هایی که وجود دارند، بسیار اندک و محدود اند.

حجت الاسلام سلکی: باید، از خود ایشان پرسید؟!!!!

حجت الاسلام ناصری: چرا، اما، به تأمل‌ورزی، نشست‌های مشترک علمی و مشورت مسؤولان جامعه المصطفی ۹ نیازمند است تا در فضای صمیمی و اندیشمندانه و به دور از هر گونه سوء ظن و پیش‌داوری و البته، با ملاحظه شرایط و در نظر داشت فرایند زمانی، به تدریج، انجام بگیرد.

حجت الاسلام فصیحی: الحمدلله، در حوزه علمیه قم و جامعه المصطفی ۹ علیرغم برخی مشکلات، طلاب و عالمان افغانستانی، به مدارج خوب علمی رسیده‌اند. در میان طلاب و فضایی این کشور، مجتهد، مدرس، مؤلف و محقق، دارای تحصیلات جدید و چهره‌های درخشان علمی، زیاد به چشم می‌خورند؛ تا جایی که بنده اطلاع دارم، طلاب و فضایی کشور افغانستان، نسبت به طلاب سایر کشورها، کم‌ و کیفیاً برتری دارند و نسبت به مسائل کشور خود، حساسند؛ به همین دلیل، به محض فراهم شدن زمینه حضور طلاب و عالمان و به وجود آمدن فضای جدید، عده قابل توجهی، به کشور خود رفتند و در مراکز مختلف فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی مشغول به کار شدند.

۵۲.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

سه نفر از همین عالمان، در تدوین قانون اساسی جدید افغانستان عضویت داشتند. یک نفر، عضو کابینه دولت، چند نفر، نماینده مجلس، در رادیو و تلویزیون، وزارتخانه‌ها، ادارات مختلف دولتی، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مطبوعات، به عنوان مدیر مسؤول و سردبیر حضور دارند.

برخی از همین عالمان، به تأسیس دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی اقدام نموده‌اند. در سال جاری هم، حدود ۱۵۰۰ نفر، جهت تبلیغ و حل مشکلات دینی مردم عازم کشورند. اگر درباره بازگشت طلاب، برنامه‌ریزی درستی شود و نهادهای مسؤول مشکلات طلاب را پیگیری و حل نمایند، شاهد حضور موثر و بازگشت بیش از این خواهیم بود. خوب است، متولیان امر و نهادهای مسؤول، به عملکرد و رفتار رقبای خود، در کشورهای دیگر، نگاه کنند که چگونه، با محصلان خارجی رفتار و بعد از بازگشت به کشور خود، چگونه از آن‌ها حمایت می‌کنند. متأسفانه، برخی گمان می‌کنند که طلاب افغانستان، خوب درس نمی‌خوانند و نسبت به سرنوشت کشور و مردم خود، احساس مسؤولیت نمی‌کنند؛ البته، ممکن است، در میان طلاب و عالمان افغانستانی، کسانی باشند که عمر خود را به بطالت می‌گذرانند و از فرصت موجود، استفاده نمی‌کنند؛ ولی، تعدادشان بسیار اندک است.

با مطالعه تاریخ درخشان حوزه‌های علمیه شیعه، به نقش بی‌بدیل و سازنده مراجع دینی، در کشورهای مختلف اسلامی، مانند عراق، ایران، لبنان، افغانستان و ... در زمینه‌های گوناگون مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مبارزه با استبداد، استعمار، مکاتب، جریان‌های انحرافی، التقاطی، قشری‌گری و تحجرگرایی پی می‌بریم.

با توجه به قداست و جایگاه ویژه مرجعیت دینی، در میان مردم افغانستان، مرجع دینی آگاه و آشنا به مسائل روز، به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) عالم به زمان و مکان، در تمام زمینه‌ها، از جمله، در امر مبارزه با تحجر و قشری‌گری نقش مهمی دارد.

اعطای مدرک علمی معتبر و آموزش‌های فنون و مهارت‌های لازم، به طلاب و تأمین نیازهای آنان، از مهم‌ترین راهکارهای جذب شدن ایشان، در مراکز مختلف علمی - فرهنگی است.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۵۳

پیام مبلغ: جامعه افغانستان، سال‌های زیادی، از تفرقه بین شیعه و سنی رنج برده و دچار آسیب‌های فراوان گشته است؛ لطفاً، نظر و راهکار خود را درباره گسترش مسأله تقریب بیان فرمایید.

آیت الله محقق کابلی: در تمام کشورهای اسلامی و از جمله: در افغانستان، ضرورت اقتضا می‌کند که تمام مسلمان‌ها، در کنار هم قرار گیرند و مشترکات را در نظر داشته باشند و از دامن زدن به اختلافات و تفرقه خودداری کنند و به دستور قرآن عمل کنند.

حجت الاسلام سجادی: اصل اختلافات، در دو عنصر سیاسی و قوی ریشه دارد؛ در عین حال، برای گسترش تقریب، راهکارهایی، به نظر می‌رسند:

۱. شناخت از عقاید همدیگر: عدم شناخت و آگاهی لازم، از دیدگاه همدیگر، در طول تاریخ، باعث اختلافات جدی، در جوامع انسانی بوده و در مواردی، موجب ریختن خون‌ها و ضررهای غیر قابل جبران گردیده است.

چه بسا پیروان یک مذهب، اتباع مذهب دیگر را به عقاید انحرافی و ضد آموزه‌های اسلامی متهم می‌کنند که هیچ‌گونه اساسی نداشته است.

از باب نمونه، برخی از پیروان اهل سنت، متأثر از برخی جریان‌ها، تصور می‌کنند که شیعیان اهل بیت : به تحریف قرآن کریم معتقدند؛ همچنین، برخی از شیعیان، با نگاه به عملکرد گروهی از متعصبان، چنین می‌اندیشند که برادران اهل سنت، به طور کلی، با اهل بیت پیامبر ۹ دشمنی و سر ستیز دارند.

اگر، به منابع قابل اعتبار همدیگر مراجعه می‌کردند و از دیدگاه همدیگر، آگاهی لازم به دست می‌آوردند؛ قطعاً، چنین فکر نمی‌کردند؛ زیرا، نه اهل سنت، دشمنان اهل بیت : اند و نه شیعیان، به تحریف قرآن کریم معتقدند.

۲. اعتمادسازی و پرهیز از توهین و اهانت، به معتقدات همدیگر و ایجاد فضا و بستر لازم، برای گفت‌وگو، بین عالمان و دانشمندان مذاهب.

۳. تأسیس مدارس دینی مشترک که همه پیروان مذاهب اسلامی در آن‌ها، بتوانند، به تحصیل بپردازند و از دیدگاه کلامی، فقهی، تفسیری و حدیثی همدیگر، اطلاع لازم و کافی را به دست آورند؛ بنابراین، می‌توان، تبلیغات نامناسب مخالفان را خنثی نمود. و فضای صمیمی و دوستانه را برای گفت‌وگو فراهم آورد و زمینه را برای انسجام و وحدت اسلامی مهیا کرد.

۵۴.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

۴. برگزاری همایش‌های علمی بین‌المذاهب: درباره یکی از آموزه‌های اسلامی که ظاهراً از موارد اختلافی بین مذاهب تلقی می‌گردد، در این‌گونه همایش‌ها، مسائل، به طور دقیق و علمی، توسط اهل‌خبره مذاهب مختلف اسلامی، به صورت کارشناسانه بحث شده؛ نتیجه آن، مکتوب و منتشر گردد.

۵. تبلیغ و توجیه پیروان مذاهب: به این نکته که بین اصول شیعه و اهل سنت، هیچ‌گونه اختلافی نیست؛ اگر اختلافی، در پاره‌ای از آموزه‌ها، به نظر می‌رسد، همه، به فروع فقهی و یا مسائل غیرضرور برمی‌گردند که این‌گونه اختلاف‌ها، بین خود مذاهب اهل سنت، در بخش کلامی و فقهی وجود دارند.

۶. تردیدی وجود ندارد که امروزه، رسانه‌ها، به ویژه، رادیو و تلویزیون، در اطلاع‌رسانی، نقش اساسی بر عهده دارند و می‌توانند، باعث تغییر دیدگاه‌های مردم، در هر زمینه گردند؛ از این‌رو، برنامه‌ریزان تلویزیون‌های کشورهای اسلامی، با هدف تقریب بین مذاهب اسلامی، برنامه‌هایی را از قبیل تهیه فیلم، مصاحبه علمی با دانشمندان مذاهب و ... تدوین نمایند که در آن‌ها، عقاید و باورهای مذاهب، به طور روشن و شفاف و با زبان ساده بیان گردد؛ تا این‌باور، در میان آحاد مسلمین به وجود آید که آنچه تاکنون، درباره مذهب مخالف می‌اندیشیده‌اند، بی‌پایه و اساس بوده و مسلمین، در عین اختلاف، در پاره‌ای از موارد، در اصول اساسی اسلام، مشترکند؛ در نتیجه، می‌توان، با راهکارهای مناسب و سنجیده، از آسیب‌هایی که وحدت و انسجام اسلامی را به خطر می‌اندازند، جلوگیری نمود.

حجت الاسلام سلکی: تقریب، یک باور است و قبل از آن، مسالمت و تحمل دیگران، یک ارزش؛ این باور و ارزش، هم، در جامعه ایرانی ملازم است و هم، در سایر جوامع. هم، در ایران، باید، به تقریب فکر کرد و هم در افغانستان. دشمن، از راه تفرقه افکنی، بیش‌ترین ضربه‌ها را وارد ساخته است؛ بنابر این، از اتحاد بین مسلمانان، سهمگین‌ترین ضربات را دریافت خواهد کرد.

حجت الاسلام ناصری: جلسات مبلغان، در سال جاری که از سوی جامعه المصطفی ۹، برای مبلغان اعزامی برگزار شد و در آن، در یک برنامه فشرده، از استادان مجرب بومی، برای آموزش مبلغان اعزامی، کمک گرفته شد؛ مفیدترین و عملی‌ترین شیوه و ارزشمندترین تجربه - ای است که تاکنون، نه تنها، در جامعه المصطفی، در جمهوری اسلامی ایران، در این باره انجام

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۵۵

گرفته است. تجربه مفید دیگر، اجلاس سالانه عالمان شیعه و سنی افغانستانی، تحت عنوان «مجمع عالمان شیعه و سنی افغانستان» بود که همه ساله، توسط نماینده محترم ولی فقیه، در امور افغانستان انجام می‌گرفت که با همه کاستی‌هایش، بسیار ارزشمند بود و لازم است، ادامه یابد و البته، با آسیب‌شناسی و کاستن نقاط ضعف آن و تقویت نقاط قوتش، نشر کتب، مقالات، برگزاری نشست‌های علمی و همایش‌های مرتب و مداوم می‌تواند، به این مهم، کمک نماید.

تأسیس مدارس دینی و حوزه‌های علمیه مختلط که علم‌جویان شیعه، در آن‌ها، در کنار یکدیگر تحصیل نمایند و تبادل استادان و دانش‌جویان شیعه و سنی، با مراکز و حوزه‌های یکدیگر و آموزش عقاید و مذهب شیعه، در حوزه‌های علمیه اهل سنت و بالعکس و تقویت شورای اخوت اسلامی و گسترش فعالیت‌های آن، در شهرها و ولایات، از لحاظ کمی و کیفی و نشر نشریات مشترک، در این باره و کنفرانس‌ها و سمینارها، در داخل و خارج کشور، آثار و برکات فراوان بر جا می‌گذارند؛ چنان‌که شرکت عالمان و فضلاء دو فرقه، در مجالس و مراسم یکدیگر و تجلیل از شخصیت‌های تقریبی شیعه و سنی و احیای افکار و اندیشه‌های تقریبی آنان، گام دیگری، در راستای تقویت تقریب بین مذاهب می‌باشد.

حجت الاسلام فصیحی: بنده، با نظر شما موافق نیستم؛ زیرا، در میان کشورهای منطقه، افغانستان، از معدود کشورهایی است که میان مسلمانان شیعه و سنی، جنگ مذهبی نداشته‌اند. جنگ‌های داخلی مردم افغانستان، بیش‌تر صبغه حزبی، قومی، نژادی و منطقه‌ای داشته است. زندگی مسالمت‌آمیز شیعه و سنی، در کشور افغانستان، الگوی خوبی، برای همزیستی، بدون تنش‌های مذهبی، برای مسلمانان کشورهای دیگر است. به هر حال، راه‌ها و عوامل متعددی، برای تقریب مذاهب اسلامی و اتحاد مسلمانان وجود دارند؛ از جمله:

۱. پرهیز از تعصب قومی، نژادی، زبانی و منطقه‌ای.
۲. اقتدا، به سیره اهل بیت پیامبر، در برخورد با سران و پیروان مذاهب اسلامی.
۳. توجه و تأکید شیعه و سنی، به مشترکات فقهی، اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و ... و پرهیز از دامن زدن به اختلافات.
۴. عدم اتهام، کفر، نفاق و بدعت‌گذاری، به یکدیگر.

۵۶.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

۵. پرهیز، از تعصب قومی، نژادی، زبانی و منطقه‌ای.
۶. پرهیز، از سب، لعن و توهین به مقدسات یکدیگر.
۷. خودداری، از نقل روایات ضعیف و به اصطلاح اسرائیلیات و اقوال شاذ و اختلاف برانگیز.
۸. اجتناب، از صدور فتوای تفرقه‌برانگیز و افراطی‌گری.
۹. بیان واقعیات و اجتناب از تحریف احکام اسلامی.
۱۰. توجه به دشمن مشترک.
۱۱. ارتباط صمیمی و مداوم عالمان شیعه و سنی، با یکدیگر، از طریق برگزاری نشست‌ها و سمینارهای علمی.

پیام مبلغ: تفکر سلفی و افراطی طالبان، چقدر، در جامعه افغانستان، موفق و مقبولیت دارد؟ آیا، برای آینده افغانستان، یک تهدید جدی به شمار نمی‌آید؟

آیت الله محقق کابلی: این خطر وجود دارد و قدرت‌های مادی از آن‌ها حمایت می‌کنند و با قدرت مالی، در میان مسلمانان، نفوذ می‌کنند.

حجت الاسلام سجادی: برادران اهل سنت ما، در افغانستان، همه حنفی و سخت، پایبند به مذهبند؛ در حالی که سلفی‌ها، هیچ، مذهبی را بر نمی‌تابند؛ هر چند، در ظاهر، خود را حنبلی جا می‌زنند؛ اهل علم می‌دانند که این یک فریب بیش نیست. اصلاً، اساس سلفی‌گری، در تضاد با مذاهب بنا گردیده است؛ با توجه به این مطلب، بسیار مشکل است که افکار و اندیشه‌های سلفی، در افغانستان، مقبول و موفق شوند؛ البته، سلفی‌ها، دو ابزار کارآمد در اختیار دارند که نباید، دست‌کم گرفته شوند؛ یکی، سرمایه‌هنگفتِ نفتی که بی‌محابا، برای ترویج افکار و آموزه‌های خویش خرج می‌کنند و دیگری استفاده از جهل و تعصب برخی افراد که بسیارند.

حجت الاسلام سلکی: سلفیت یک بحث است و جریان طالبان، بحثی دیگر، بین این دو، نباید خلط کرد. سلفی‌گری، برای تمام جوامع تهدید است؛ زیرا، دست‌کم، تفکر عقلانی را به اضمحلال می‌کشاند؛ ولی، طالبان، در جامعه افغانستان، دارای خاستگاهی هستند که از آن منظر، باید، تحلیل شوند.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۵۷

حجت الاسلام ناصری: تفکر سلفی، در افغانستان، ریشه ندارد؛ اما، دست سیاست و حاکمان تشنه قدرت، آن را وارد کشور نموده و سعی دارد، از مشکلات گوناگون جامعه، به ویژه فقر، فساد اداری و حضور نیروهای خارجی و خصومت‌های باقی‌مانده، از سی سال و ویرانگری و دخالت‌های قدرت‌های خارجی استفاده نموده، وارد کشور سازد و در صورت عدم توجه به مشکلات گوناگون کشور، می‌تواند، به تهدید جدید تبدیل گردد.

حجت الاسلام فصیحی: با توجه به این‌که برادران مسلمان اهل سنت افغانستان، به لحاظ فقهی، «حنفی مذهب» و به لحاظ کلامی، «ماتریدی یا اشعری» هستند و امام ابوحنیفه و پیروان او، بیش‌تر عقل‌گرا هستند و به قیاس توجه می‌کنند و سلفی‌ها، برای عقل و نظر، ارزش قائل نیستند و قیاس را جایز نمی‌دانند، طبیعی است، تفکر سلفی و طالبانی، در افغانستان، مقبولیت نداشته باشد؛ اما، این که در اواخر دهه هفتاد، طالبان، موفق شدند، به لحاظ فیزیکی و جغرافیایی، بر اکثر ولایات و مناطق افغانستان، تسلط پیدا کنند، دلایل و عوامل دیگری دارند که عمده این دلایل، در خارج از مرزهای افغانستان ریشه دارد.

چنانچه، خانم «بی نظیر بوتو» نخست وزیر وقت پاکستان، در مصاحبه‌ای، با رسانه‌ها، به نحوه شکل‌گیری و چرایی جریان طالبان اشاره کرد.

به هر حال، طالبان، با آن رفتار خشن و دیدگاه قرون وسطایی و افراطی که دارند، در میان مردم افغانستان، جایگاه و مقبولیت عمومی ندارند؛ مگر این که مانند گذشته، بیگانگان، با استفاده از برخی نقاط ضعف دولت فعلی و ایجاد ناامنی و در راستای تأمین اهداف خود، دوباره، طالبان را بر مردم افغانستان، تحمیل و مسلط کنند.

پیام مبلغ: رسانه‌های متعددی، در کشور افغانستان، در حال گسترشند؛ میزان تأثیر آن‌ها را در جامعه سنتی افغانستان، چگونه ارزیابی می‌کنید و برای مقابله با این تهاجم‌ها، چه راهکارهایی را عملی می‌دانید؟ تأثیر فضلا، در رسانه‌ها، چقدر است؟

آیت الله محقق کابلی: در ابتدا، تأثیر رسانه‌های غیردینی زیاد بود و الحمدلله، روز به روز، از تأثیر آن‌ها کاسته می‌شود و رسانه‌های دینی و مذهبی، جای آن‌ها را می‌گیرند و امید است، در آینده، فضلا و عالمان، نقش بیش‌تری را در رسانه‌ها ایفا کنند.

حجت الاسلام سجادی: باید، بپذیریم که غول رسانه‌های غرب امروز، مرزهای جغرافیایی و حریم‌ها را شکسته و به درون خانه‌ها، راه یافته‌اند. جهان، به شکل یک منطقه واحد، درآمده

۵۸.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

و اطلاعات، به آسانی، در دسترس همگان قرار می‌گیرند؛ فرهنگ منحط غرب، از این طریق، با تمام قدرت، فرهنگ‌ها و سنت‌ها را نشانه رفته است.

در گذشته، استعمارگران، برای تسلط بر دنیا، سعی در سیطره، بر نقاط سوق‌الجیشی داشتند؛ اما، امروزه، در دهکده جهانی، از طریق امواج ماهواره و اینترنت، بر مردم جهان حکومت می‌کنند.

با گسترش و تنوع شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های متنوع، دیگر، آنان، به لشکرکشی‌های فیزیکی و نظامی نیازی ندارند و وقت و انرژی خود را در مراکز گسترش این شبکه‌ها صرف می‌کنند.

کشور ما نیز، مانند دیگر کشورها، از هجوم فرهنگی دشمنان، بی‌نصیب نمانده و هر روز - افزون بر شبکه‌های ماهواره‌ای، فرستنده‌های زمینی نیز که فرهنگ بیگانه را ترویج می‌کنند، افزوده می‌شوند.

در برابر این هجوم نابرابر، چه باید کرد؟ این پرسش، سال‌ها است که فکر و اندیشه آگاهان و دلسوزان را به خود، معطوف نموده است. به نظر می‌رسد، پیروز این میدان، فرهنگ‌ها و جوامعی هستند که با برنامه‌ریزی معقول و واقع‌بینانه، پایه‌های قوی و غنی معنوی و فرهنگی خود را از طریق استخدام رسانه، به زیبایی و جذابیت، به دیگران منتقل می‌کنند. ما مسلمانان، با فرهنگ سرشاری که داریم، به جای پس کشیدن یا ترسیدن، باید، با قوت و وسعت، وارد این چالش شویم. وقتی، «تلویزیون تمدن» در کابل راه‌اندازی شد، کسی باور نمی‌کرد که این رسانه، با محتوایی دینی، بتواند، در برابر رسانه‌های دیگر، رقابت کند؛ اما، دیدیم که در کم‌ترین زمان، یکی از پربیننده‌ترین برنامه در کشور است. فیلم‌ها و سریال‌های دینی، برای مسلمانان، جذابیت دارند؛ باید، هنر و رسانه را به استخدام گرفت. مضامین دینی را در قالب زیبا و جذاب، به مشتاقان عرضه نمود؛ نمونه‌اش، سریال حضرت یوسف است؛ آن‌گونه که نقل می‌کنند، این سریال، در کشورهای افغانستان و تاجیکستان، خوب جا باز نموده است. ما نباید، در برابر هجوم‌های تبلیغاتی و فرهنگی غرب، منفعلانه عمل نماییم؛ با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری، می‌توانیم، در برابر شبیخون فرهنگی غرب، واکنش نشان داده و آن‌ها را به چالش بکشیم.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۵۹

حجت الاسلام سلکی: بالاخره، بی‌تأثیر نخواهد بود و گستردگی تأثیر و توزیع آن، بین شبکه‌های مختلف وابسته به قدرت اقتصادی توده‌های مردم، برای دریافت امواج کلیه شبکه‌ها از ماهواره بازمی‌گردد و نیز، برخورداری تمام مناطق، از انرژی برق؛ بر این اساس، محدودیت‌های اقتصادی، به نسبت، در فعالیت شبکه‌ها مؤثرند. فضایی صاحب سخن، در رسانه‌ها مؤثر هستند؛ همان‌طور که برخی از ایشان، به شدت، از سوی رسانه‌ها استقبال می‌شوند.

حجت الاسلام فصیحی: هر چند، رسانه‌های گوناگونی در افغانستان، به تبلیغ و ترویج فرهنگ مبتذل غربی و ضد اسلامی و اخلاقی مشغولند و باورهای دینی و ارزش‌ها و آموزه‌های دینی مردم افغانستان، به ویژه، جوانان را هدف قرار داده‌اند، با توجه به سنتی بودن جامعه و باور و ایمان قوی مردم این کشور، به احکام و ارزش‌های اسلامی و اخلاقی، تاکنون چندان، موفق نبوده‌اند.

توجه، به این نکته ضرور است که اگر، در برابر تهاجمات همه جانبه و خطرناک، چاره اندیشی نشود، قلب‌های پاک و معصوم جوانان این مرز و بوم، تسخیر و آلوده خواهد گشت؛ بنابراین، لازم است، طلاب و مبلغان دینی، با استفاده از ابزار و فناوری‌های جدید تبلیغاتی و فرصت موجود، نه فقط، به مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه و خنثی‌سازی آن برخیزند، بلکه، به تبلیغ فرهنگ اصیل و ارزش‌های اسلامی و اخلاقی نیز پردازند.

پیام مبلغ: برای نخستین بار، در تاریخ سیاسی افغانستان، حقوق مدنی و احوال شخصی شیعیان، به رسمیت شناخته شده است؛ ارزیابی شما، از این قانون و میزان پایبندی به این قانون چقدر است؟

آیت الله محقق کابلی: یکی از ثمرات جهاد افغانستان، برای شیعیان، همین رسمیت پیدا کردن حقوق مدنی و احوال شخصی شیعیان است؛ اهمیت این مسأله است که دشمنان را حساس کرده است.

حجت الاسلام سجادی: قانون احوال شخصیه شیعیان، در راستای قانون اساسی است که در آن، مذهب شیعه، به رسمیت شناخته شد. تدوین چنین قانونی، بسیار ضرور و کارساز است؛ این قانون، با نظارت آیت الله محسنی، توسط تیمی از کارشناسان نوشته شد؛ در پارلمان نیز، در کانون نقد و بررسی و بحث نمایندگان ملت قرار گرفت و تصویب شد و از سوی

۶۰.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

رییس جمهور محترم توشیح گردید. این فرایند، به جا، لازم و ضرور بود؛ متأسفانه، از سوی برخی کشورهای غربی، مسأله، کاملاً وارونه جلوه داده شد، و تبلیغات منفی آنان، بر ضد این قانون صورت گرفتند که حاوی اغراض سیاسی بودند. شاهد بودیم که مردم، در یک راهپیمایی باشکوه، از این قانون، دفاع نمودند؛ حتی، برخی عالمان اهل سنت نیز، حمایت و پشتیبانی خویش را از این قانون ابراز داشتند.

این قانون، طبق فقه پویای مکتب اهل بیت : که برگرفته از قرآن و سنت است، تدوین شده و قانون احوال شخصیه شیعیان نام دارد. «احوال شخصیه» و «شیعیان» را وقتی در نظر می-گیریم، جز آنچه، در مواد این قانون آمده است، نباید باشد؛ حتی یک ماده، نباید، برخلاف فقه امام صادق 7 باشد. آیا درست است که برای این که دیگران خوششان بیاید، از اصول خود بگذریم؟ نه، هرگز، «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ» سی سال جهاد و مقاومت و دادن بیش از یک میلیون شهید، و میلیون ها آواره، برای احیای ارزش های دینی بود؛ بنابراین، بر همه، به ویژه، عالمان، دانشمندان و حقوقدانان دلسوز و باحساس، لازم و ضرور است که از این قانون حمایت کنند، و نکات ابهام آن را که ممکن است، برای دیگران، موجب سوء تفاهم گردیده باشد، تبیین علمی و روشن نمایند.

حجت الاسلام سلکی: قانون احوال شخصی شیعیان، قانونی شرعی و متناسب با نیازهای جامعه شیعی است و میزان پابندی به آن، به نحوه تعامل فرهیختگان شیعه، با قانون مزبور بازمی گردد.

حجت الاسلام ناصری: هر قانونی، در آغاز، ممکن است، مشکلاتی داشته باشد و تجربه قانونگذاری در افغانستان نیز، کوتاه است؛ از این رو، باید، بدون فشارهای نابجای داخلی و علیرغم وقاحت نیروهای خارجی، در کانون توجه، تأمل و ارزیابی قرار بگیرد و به مرحله اجرا گذاشته شود و در صورت ضعف، در مقام اجرا، به تدریج، بازبینی و بازنگری گردد؛ نباید، این قانون که دستاورد مبارزات طولانی ملت مسلمان افغانستان، به ویژه، قوم مقاوم و مظلوم هزاره است و جز المصلحه و وجه المصلحه و تصفیه حساب های سیاسی، منطقه ای، جناحی و ... قرار بگیرد.

حجت الاسلام فصیحی: برای اولین بار، رسمیت یافتن مذهب شیعه و احوال شخصی شیعیان افغانستان، در قانون اساسی این کشور، برای همه شیعیان، یک پدیده مبارک است و یکی از آرزوهای دیرینه همه شیعیان تحقق پیدا کرده است. رسمی شدن مذهب جعفری، در

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۶۱

قانون اساسی افغانستان، مرهون تلاش، مقاومت و ایثار همه شیعیان و هزاره‌ها و برخی بزرگانی است که در این راه شهید شدند و عالمانی که عضو کمیسیون تدوین قانون اساسی بودند و ... امیدوارم، هر چه سریع‌تر، این ماده قانون اساسی، جنبه اجرایی و عملیاتی پیدا کند.

پیام مبلغ: علل مشارکت کم‌رنگ مردم هزاره، در دولت کنونی کدامند؟ از آن جایی که جمعیت اصلی آن‌ها، بیش از ۲۵٪ کل جمعیت افغانستان است، چرا، فقط، ۶٪ آنان مشارکت داشته‌اند؛ آیا می‌توانید، میزان مشارکت مردم را، (به ویژه شیعیان) در دولت آینده تخمین بزنید؟

آیت الله محقق کابلی: عدم شرکت عوامل مختلف دارد؛ عمده‌ترین عامل، عدم رعایت عدالت اجتماعی، توسط حکام افغانستان است و اگر حقوق مردم شیعه رعایت شوند، قطعاً، تمام واجدین شرایط رأی، شرکت می‌کنند.

حجت الاسلام سجادی: البته، شرکت شیعیان هزاره، در هرم دولت قابل توجه است؛ چون، معاونت دوم ریاست دولت، از این‌ها است؛ چند وزیر هم دارند؛ اما، در قاعده، دولت، بسیار کم است. این وضع، دلایل زیادی دارد:

۱. اصلاحات لازم، در کل بدنه نظام، به وجود نیامده‌اند و هنوز، بروکراسی قومی و طایفه‌ای، بر این کشور حاکم است.

۲. هزاره‌ها و شیعیان، در کنفرانس «بن» ۲۵٪ در نظر گرفته شده‌اند؛ اما، واقعیت امر، بالاتر از این‌ها است؛ مادامی که نظام قومی، در افغانستان حاکم است، باید، خیلی بیشتر، از این‌ها، برای ایشان حق قائل شوند.

البته، تا این ساختار، به هم بخورد، وقت زیاد لازم است. در افغانستان، فردا، باید، احزاب و جریان‌های سیاسی، جای اقوام را بگیرند و آن‌ها، با برنامه‌های ملی، این تعدیلات را در کل نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وجود بیاورند. و مردم، با رأی آزاد خود، به برنامه‌های پیشرفته آن‌ها رأی دهند؛ نه به سران قومی، یا قوم. اکنون، رژیم‌های قبائلی هم، منطقی منسوخ، به شمار می‌آیند؛ از دیدگاه اسلامی هم، پذیرفته نیستند؛ علایم و شواهد نشان می‌دهند که این مشارکت، در دولت آتی، با گذشته، چندان، فرق نخواهد داشت.

۶۲.....پیام مبلغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

حجت الاسلام سلکی: تخمین درصد جمعیت هر قوم را، از کل جمعیت افغانستان، به صورت دقیق، نمی‌توان، ابراز نمود؛ ولی، علت اساسی پایین بودن سهم هزاره‌ها، در حاکمیت افغانستان، نگرش قومی، به مسأله است؛ زیرا، از یک سو، سهم‌خواهی، بر مبنای مذهب صورت می‌گیرد و در موقعیتی دیگر، این‌که، از زاویه قومیت، تفکیک یا عدم تفکیک بین این دو تا چه حدی امکان‌پذیر است، سخنی است، در محل خود؛ ولی، بازتاباندن آن، در ناحیه قومیت، محل تأمل است.

حجت الاسلام ناصری: مشارکت کم‌رنگ هزاره‌ها، از علل متعدد ناشی است:

(الف) عدم ظرفیت دولتمردان، برای پذیرش آنان و ایجاد مواضع گوناگون پیدا و پنهان، در این باب، چنان‌که دانشگاه‌های کشور، در سال‌های اخیر نیز، از این بلیه مصون نبوده‌اند.

(ب) بدبینی هزاره‌ها، به دولت‌گرایی و کارمندی در دولت که در تاریخ استبداد و تبعیض در کشور ریشه دارد.

(ج) قوانین و مقررات دست‌وپاگیر باقیمانده از دولت‌های خودکامه و قبیله‌محور پیشین که تحت عنوان «مقررات اداری»، در برابر آنان، به کار گرفته می‌شوند.

(د) فقدان اطلاع‌رسانی و فعالیت فرهنگی، در میان هزاره‌ها؛ تا اعتماد لازم، به دولت و آینده آن، به دست آورند.

(ه) مشکلات و مصیبت‌های گوناگونی که هزاره‌ها، درباره همکاری با دولت و فرار گرفتن، در جهت مخالف آن، به خود دیده‌اند، آنان را از دولتی شدن و یا مقابله با آن، تلخکام نموده است.

(و) عدم ظرفیت‌سازی، برای حضور هزاره‌ها، در دولت، از سوی نخبگان سیاسی هزاره‌ها که اکنون، به عنوان معاون، وزیر، وکیل، والی و ... در دولت، حضور دارند و کم‌ترین احساس مسئولیتی، در این باره نداشته و حتی، برخی از آن‌ها، چنین نگاه‌ها را برخلاف منافع و مقام خود می‌پندارند.

حجت الاسلام فصیحی: هزاره‌ها، در جهاد بر ضد اشغالگران روس و مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و تأمین امنیت در کشور و روند جاری کشور، نقش و سهم عمده داشته‌اند؛ متأسفانه، متناسب با جمعیت و شایستگی‌های خود، از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار نیستند؛ امیدوارم، در دولت آینده، به حقوق قانونی و واقعی خود دست پیدا کنند.

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۶۳

پیام مبلغ: همان طور که مستحضرید، مردم افغانستان، در عرض سی سال گذشته، بیش از یک میلیون شهید دادند تا بتوانند، خود را از سلطه قدرت‌های خارجی و طالبان، نجات دهند؛ نقش عالمان دینی را در پاسداشت زحمات و ایثار گذشتگان را در جلوگیری از انحرافات موجود و احتمالی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آیت الله محقق کابلی: وظیفه خطیر و مهمی، به دوش عالمان و روشنفکران جامعه است که از خون شهدا، پاسداری کنند و استقلال افغانستان را حفظ کنند.

حجت الاسلام سجادی: نقش عالمان دینی و روشنفکران مسلمان در این راستا، بسیار روشن است. تاکنون نیز، چنین بوده است. عالمان دینی، خود شهدای بسیار، در این جهت تقدیم کرده‌اند. اکثر رهبران جهادی و مقاومت ما، از عالمان دینی است. عالمان و دانشوران مسلمان، نه تنها، باید، خون شهدا و ایثار مجاهدان را حفظ کنند، بلکه، تئوری جهاد، شهادت و مقاومت را باید، به عمل تبدیل کنند. فرهنگ‌سازی، برنامه‌ریزی و عمل واحد، در راستای اجرای تعالیم حیات‌بخش دینی، کار اصلی آن‌ها است.

حجت الاسلام سلکی: بدون شک نقش ممتازی خواهند داشت.

حجت الاسلام ناصری: عالمان دینی، در این سال‌ها، به زحمت توانسته‌اند، خود را با هزار رنج و مصیبت نگهدارند. و مردم را تبلیغ و هدایت کرده‌اند و از مهاجرت به کشورهای دوردست اروپایی، امریکا یا ... خودداری کرده، ملت را تنها نگذاشته‌اند؛ روحانیت افغانستان، از جنس همان مردم بلاکشیده، فقیر و آواره هستند و چیزی، فراتر از زبان در بساط ندارند؛ بنابراین، تلاش کرده‌اند، یاد شهدا و خانواده آنان را گرامی دارند.

پیام مبلغ: مدیریت تبلیغ، در جامعه افغانستان، یک ضرورت است و با چالش‌های جدی روبه‌رو است؛ از طرفی، مردم، به جهل برخی از روحانیان دینی مبتلایند و از طرف دیگر، حضور مسیونرها، اندیشه‌های سلفی، همچنین، افکار ضدمذهبی و ... بر شدت مشکلاتشان افزوده‌اند؛ آیا بهتر نیست، هم در ایران و هم در افغانستان، مرکز، سازمان یا مؤسسه‌ای، مدیریت تبلیغ را به عهده بگیرد و این امور را سامان بدهد؟

آیت الله محقق کابلی: در هر زمانی لازم است، مدیریت حوزه‌ها و تبلیغات، سر و سامانی داده شوند و با نظم و انسجام اداره گردند.

۶۴.....پیام مبلّغ/سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۸۸

حجت الاسلام سجادی: قطعاً، همین‌طور است؛ باید، مرکزی قوی و برنامه‌ریزی در این راستا، به وجود آید. کار این مرکز، می‌تواند، برنامه‌ریزی درست، شناسایی اولویت‌های تبلیغ و امثال آن باشد. کوشش شود که این مرکز، از بروکراسی، حساسیت‌های مذهبی، قومی و گرایش‌های تند و ناروا دور باشد.

هر چه زودتر، باید، به این کار مهم اقدام کرد. این مرکز، باید، به انواع تجهیزات پیشرفته تبلیغی و رسانه‌ای مجهز باشد. ضرورت تأسیس آن، در وضع فعلی، با توجه به تهاجم فرهنگی، بیش از هر زمان احساس می‌شود؛ البته، مدیریت آن نیز، باید قوی و بومی باشد. و بودجه کافی، برای آن گذاشته شود.

حجت الاسلام سلکی: باید، این امر، در طرف افغانستان، صورت گیرد و ایران، در مسائل داخلی کشورهای همسایه مداخله نمی‌کند؛ البته، پس از شکل‌گیری مؤسسه در افغانستان، این، خود طلاب و فضلا هستند که پاسخگوی نیازهای جامعه خود خواهند بود.

حجت الاسلام ناصری: این پیشنهاد را بنده، به طور مکرر، نه تنها، در میان عالمان داخل افغانستان و خارج از آن، مطرح نموده‌ام، بلکه، در سال گذشته، در طی نامه‌ای، به مراجع تقلید و ریاست محترم جامعه المصطفی ^۹ مؤکداً یادآور شده‌ام.

حجت الاسلام فصیحی: تأسیس نهاد و مؤسسه‌ای که مبلغان را هدایت و مدیریت کند و به امور ایشان رسیدگی نماید، لازم و ضرور است؛ منتها، به دلایلی، این کار، باید، در داخل افغانستان صورت گیرد.

پیام مبلّغ: فضلا و طلاب، تا چه اندازه، نیازهای دینی، فرهنگی و آموزشی اقشار مختلف جامعه افغانستان را می‌توانند، جوابگو باشند؟

آیت الله محقق کابلی: این توان، در عالمان و طلاب افغانستان وجود دارد؛ البته، اگر همت کنند و ایثارگری داشته باشند و زحمات آن‌جا را تحمل کنند و ملت شریف افغانستان و خیران و مراجع تقلید و مسؤولان جمهوری اسلامی ایران ... کمک و همکاری کنند.

حجت الاسلام سجادی: اگر برنامه‌ریزی درست انجام گردد و بودجه کافی، در نظر گرفته شود، فضلا و طلاب ما، می‌توانند، درصد بالایی از نیازمندی‌های تبلیغی را برآورده کنند و در راستای فرهنگ و آموزش، کارهای شایسته‌ای انجام دهند. تاکنون نیز چنین بوده است؛ البته،

نقش عالمان در افغانستان؛ رویکردهای دینی، فرهنگی و سیاسی..... ۶۵

به دلیل برخی عوامل، این فعالیت‌ها، هرچند، پراکنده بوده است، کم‌تر انعکاس یافته‌اند. اگر برنامه‌ریزی و نظم و پشتیبانی درست انجام گردد، اهمیت کار آن‌ها، ملموس‌تر خواهد بود.

حجت الاسلام سلکی: با توجه به توانی که دارند، می‌توانند، به بهترین وجه ممکن، پاسخگو باشند.

حجت الاسلام ناصری: در صورت سازمان یافتن و متشکل شدن و حضور مؤثر و با برنامه هدفمند و کارشناسانه، در داخل کشور، همه نیازهای دینی مردم را می‌توانند، پاسخگو باشند و ما الحمدلله، مشکل نیروی انسانی، از لحاظ دینی نداریم؛ هرچند، از لحاظ سخت‌افزار فرهنگی، چون: ساختمان‌ها و مراکز جدید، کتابخانه‌ها، مؤسسات و سایر ابزارها و امکانات، در نقطه صفر قرار داریم و همین نکته، بر مشکلات نیروی انسانی، و عدم آمادگی و یا کارآمدی آنان، در کشور، تأثیر گذاشته است.

حجت الاسلام فصیحی: توانایی‌ها و پتانسیل‌هایی که در طلاب و فضلاء افغانستانی وجود دارند، در جهت رفع نیازها، کفایت می‌کنند؛ به شرطی که در کانون توجه، حمایت معنوی و مادی قرار گیرند.

پیام مبلغ: با تشکر از همه عزیزان، که فرصت خود را در اختیار ما گذاشتید.